

پیام کمیته مرکزی سازمان به فدائیان خلق ایران به مناسبت سالگرد ۱۹ بهمن



رزم پیکار و جانپازی بیکران خود سازمانتان را در برابر اینهمه تلاشهای دشمنان باز هم پرتوان تر رهپار گسترش نبرد با امپریالیسم و ارتجاع حاکم می کنید درود آتشین می فرستد.
رفقا!

با سرافرازی باید بگوییم که چهاردهمین سال زندگی انقلابی سازمانمان سالی بسیار پربار و با انجام و ثنایف بسیار مهمی همراه بوده است. دو سال بقیه در صفحه ۲

رفقا و دوستان گرامی!
فدایان خلق!
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۹ بهمن، چهاردهمین سالگرد اعلام موجودیت سازمان پر افتخارمان را به همه شاپیشاهنگان رزمنده راه طبقه کارگر و توده های میلیونی ایران، به همه کارگران و رنجبران بیباخته میهنمان شادباش می گوید.
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به همه شما فدائیان خلق ایران، که با



نشریه همداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۶۳ بر ۴ فوریه ۱۹۸۵
بهمن ۴۰ ریحال سال اول شماره ۴۳

۱۹ بهمن، سالگشت اعلام موجودیت فدائیان خلق

حماسه پویندگی

این مجله از حماسه های می گوید

از هر رنگ و اترانه های روید
خون دل عاشقان جنگل امروز

با ما به دل سپیده ره می جوید

"نورده بهمن" پانزده ساله شد و با آن چهارده سال از اعلام بنیانگذاری سازمان ما سپری گردید. هفتاد و یک سال در آن روزهای سرد بهمن ماه ۴۹ با عملیات مسلحانه در جنگلهای گیلان حضور سازمان ما اعلام گردید، بسیاری با بیم و امید می پرسیدند که آیا این نهال تازه رسته می تواند به درخت تنومندی بدل شود که در برابر توفانهای مهیب آن سالهای سخت برجای بماند؟

عملیات آغازین فدائیان خلق در سکوت سنگین آن ایام خفقان بار، غرضی چون رعد برپا کرد. اما نتیجه نبردی که با بسیج انبوه نفرات سرکوب و در طی شرایطی یکبارگی نابرابر آغاز شده بود، بدانجا انجامید که از گروه سیزده نفره فدائی، دوتن - مهدی اسحق و رحیم ساعی - در همان جنگلهای یخ بسته جان خود را نثار خلق کردند و یازده تن دیگر پس از اینکه روزهای متوالی با عزمی استوار پایداری کرده بودند، به اسارت درآمده و به زندان مخوف اوین منتقل شدند.

جلادان خشمگین رژیم شاه با کینه توزی سبانه به شکنجه این فدائیان دلیر پرداختند. دیوارهای سلولهای اوین هفته های متوالی شاهد نبرد میان دلاوری انقلابی و درنده خوئی حیوانی بود. تاپس بقیه در صفحه ۸



* اعتصاب کارگران کارخانه سازی باختران

* مصادره املاک روحانیون فتوای حرام است!

* مجازات جمعی روستائیان به خاطر عدم شرکت در انتخابات

* آینده "نظام پزشکی" چه خواهد شد؟

در صفحه ۱۱

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

گزارشی از تبلیغات انقلابی گسترده فدائیان خلق (اکثریت) در سطح کشور

فشار بر پناهندگان سیاسی شدت می گیرد
اعتراضات گسترش می یابد

در شماره گذشته "اکثریت" خبر اعتصاب غذای گروهی از پناهندگان سیاسی را در ایالت بایرن آلمان فدرال درج کرده بودیم که در اعتراض به مشکلات حاد پناهندگان، صورت گرفته بود. بنا به اطلاع واصله، اعتصاب غذای این پناهندگان بمدت ۱۷ روز یعنی تا تاریخ ۲۶ ژانویه ادامه یافت و در این زمان پس از اینکه توانست توجه افکار عمومی را بطور وسیع جلب نماید، درحالیکه با حمایت گسترده نیروها و احزاب مترقی روبرو بود، پایان یافت. بی اعتنائی و برخورد غیر مسئولانه مقامات دولتی استان بایرن و از جمله برخورد موهن وزیر امور اجتماعی، باعث اعتراضات بیشتر پناهندگان سیاسی شده، و در این رابطه میتوان به اعتراض ۴۰۰ نفر از پناهندگان سری لانکایی در مونخ و همچنین به تظاهراتی که قرار است روز ۲ فوریه در این شهر به ابتکار کمیته (آلمانی) همبستگی با پناهندگان برگزار شود، اشاره نمود.

آنگونه که گزارشهای واصله نشان میدهد، تشدید تضییقات علیه پناهندگان سیاسی محدود به آلمان فدرال نیست. در دیگر کشورهای سرمایه داری و امپریالیستی نیز فشار بر پناهندگان افزایش یافته است. به عنوان نمونه به وضعیت پناهندگان دانمارک اشاره می کنیم.

نشریه "مهاجر" چاپ کپنهاک در سه شماره به گونه ای مبسوطه اوضاع پناهندگان ایرانی پرداخته است. در این گزارش آمده است که دولت دانمارک مدتی است تلاش دارد ناسامانی های اقتصادی از بقیه در صفحه ۱۰

پشتیبانی گسترده کارگران و نیروهای مترقی جهان
از مردم ایران ادامه دارد

* * *
پشتیبانی بی دریغ کارگران جهان
از مبارزات مردم ایران

* * *
انعکاس مبارزات مردم ایران
در مطبوعات جهان

* * *
تظاهرات علیه رژیم ج. ا. در کپنهاک
در صفحه ۱۲

گزارشی از وضعیت کنونی دانشگاه ها

مجموعه اقدامات و سیاستهای رژیم در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، وضعیت اسفباری را برای دانشگاه ها و مدارس عالی کشور به ارمان آورده است. خیانت به اهداف انقلاب و ضدیت با منافع مردم، فشرنگری و کوردهنی، ضدیت با علم و سرکوبگری، جنگ طلبی و ... همه دست در دست هم این وضعیت اسفبار را در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی کشور بوجود آورده اند. وضعیتی که همه وجوه آموزشی، زیستی، سیاسی و اداری، دانشگاه ها و دانشجویان را شامل می شود.

ما پیش از این در نشریه به بررسی کارنامه سیاه جمهوری اسلامی در دانشگاه ها و مدارس عالی کشور پرداختیم. اینک با درج گزارشهایی از وضعیت کنونی دانشگاه ها به تمهید نقابج سیاستهای مخرب و ضد فرهنگی رژیم در مراکز آموزش عالی می پردازیم:

وضعیت آموزشی

افت شدید سطح علمی و آموزشی دانشگاه ها کاملاً و بشکل عریان خود را به نمایش می گذارد. اخراج و انصراف از تدریس بسیاری از اعضا کادر علمی دانشگاه ها، تعطیلی درازمدت مراکز آموزش عالی، ضوابط ارتجاعی گزینش دانشجو، بی برنامه گی و برنامه ریزی های بی اساس تفکر و بینش ارتجاعی و ضد علمی دست اندرکاران امر و ... از مهمترین عوامل سقوط شدید سطح علمی و آموزشی دانشگاه ها هستند.

در دانشکده پزشکی دانشگاه تبریز، یک استاد ارزشمند را به اتهام طرح مسائل غیر شرعی در سر کلاس، اخراج کردند. وی گفته بود در اتحاد شوروی، پزشکان موفق شدند خون یک انسان مرده را به فاصله کمی بعد از مرگش به یک بیمار انتقال دهند. در دانشکده صنعتی تهران، به تمام تدریس یک استاد، اعضا انجمن اسلامی مراجعه کرده می گویند ما به کلاس احتیاج داریم برای خود و شاگردانت یک کلاس پیدا کن!

انصراف از تدریس و اخراج استادان، کار رابه بقیه در صفحه ۱۴

در سالگرد شهادت اراکی، خاطره همه توده های شهید
و یاد همه رزمندگان در بند را گرامی می داریم
در صفحه ۱۴

سربلند و پیروز باد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)!

پیام کمیته مرکزی سازمان به فدائیان خلق ایران به مناسبت سالگرد ۱۹ بهمن

بقیه از صفحه اول

دبیر کمیته ناحیه ای شرق تهران و رفیق مذبذور پور جم عضو کمیته اباتی خوزستان در زیر شکنجه دژ خیمان جان باختند و از سرنوشت گروهی دیگر از فدائیان اسیر نیز هنوز هیچ اطلاع موثقی به دست نیامده است. هم اکنون هزاران فدایی و توده ای در زندانهای رژیم استاده اند و از شرف و حقانیت خود

سرخسختانه دفاع می کنند. علیرغم همه دهمشی مانه تنها موفق نشده اند آنچه که می خواهند از رفقای ما به دست آورند، بلکه امروز در زندانها ایستادگی و مقاومت نشان برجسته ماست. نقش رژیم برای به دام انداختن و شکستن بهاران اسیر ما مفتضحانه شکست خورد. عجز رژیم در دستیابی به اطلاعات، حفظ سازمان و تعرض قاطع و نیرومند ما علیه ارتجاع حاکم، رشد مبارزه توده ای و بالا گرفتن اعتراض جهانی علیه جنایات رژیم، مقاومت اسیران را در برابر دهمشی های عمال رژیم در زندانها بیش از پیش تقویت کرده است. در این میدان نیز زمان به سود ما عمل می کند. امکانات واقعی رژیم برای نابودی و یا تسخیر زندانیان به مرور کمتر و امکانات و قدرت ما برای ایستادگی و تعرض در برابر ارتجاع حاکم چه در زندانها و چه خارج از آن بیشتر می شود.

رفقا!

ما فدائیان خلق، رزمندگان صفوف سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که هرگز و هیچگاه جز در دفاع از طبقه کارگر، دهقانان زحمتکش و مردم ستمدیده ایران قدم برنداشته ایم، باید به یاد داشته باشیم که آرزوهای مردم ما فقط وقتی جامه عمل می پوشد که ارتجاع حاکم از اریکه قدرت بیرون رانده شود و یک دولت دموکراتیک و ملی جانشین آن گردد. این ممکن نیست مگر به اتحاد همه نیروهای دموکراتیک و ملی ایران. عصاره و جوهر تمام آنچه که پلنوم همراه تعیین کرده همین است. ما برای در دست گرفتن قدرت و تحقق اهداف و آرمانهای مردم زحمتکش می رزمیم و برای پیروزی باید هر چه نیرومندتر شویم. رمز نیرومندی ما هم در اتحاد ماست و هم در پیوند هر چه وسیع تر مابین توده های مردم زحمتکش. در این راه ما پاسداران ثابت قدم وحدت و یکپارچگی سازمان خویش، پاسداران یگانگی و همکاری ثمر بخش با رفقای توده ای خویش و یکپارچگی پیگیر راه اتحاد همه نیروهای مترقی میهنمان ایرانیم. در این راه ما فدائیان خلق، جان برکف تا آخرین نفس پرچم کلگون و خون رنگ سازمان را فراراه مردم زحمتکش باهتزاز در می آوریم و در هر کجا که هستیم ارتش بیکران کار و زحمت را در سنگر سازمان خویش به سلاح نیرومند تشکل و آگاهی، به نیرومندترین سلاح هتجه می کنیم.

ما پیروز می شویم. ما یقیناً پیروز خواهیم شد. چون راه ما راه مردم زحمتکش، راه پیروزی و رهایی خلق است. ما فدائیان خلق ایران همواره به این راه وفادار بوده ایم، هستیم و خواهیم بود.

مرک بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم

آمریکا!

سر بلند و پیروز باد سازمان فدائیان خلق ایران

(اکثریت)!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کمیته مرکزی را باید برجسته ترین و والاترین موفقیت سازمان در سال گذشته دانست. برگزاری این پلنوم خود نمودار غلبه ما بر موانع و مشکلات دشمن ساخته است. پلنوم از این نظر که همه اعضا هیأت سیاسی حاضر در پلنوم خرداد ۶۱ و اکثریت قاطع اعضا و مشاورین کمیته مرکزی در آن شرکت کردند، نمودار پیروزی بزرگ ما و شکست بزرگ توطئه های رژیم برای درهم شکستن سازمان و نابودی آن است. فضای شورانگیز و سرشار از یگانگی فکری، سیاسی و سازمانی در پلنوم تجسمی از یگانگی و یکپارچگی و صمیمیت شور انگیز سازمان شاست. کارنامه و تصمیمات پلنوم نموداری از وحدت مسئولیت و یخستگی سیاسی سازمان ماست. اسناد مصوب پلنوم مهر ماه ۶۲ یقیناً می تواند مجموعه جنبش انقلابی خلق ما را به سوی تشخیص درست شرایط و وظایف و به سوی اتحاد و یکپارچگی رهنمون گردد.

چهاردهمین سال حیات خلق سازمان بویژه از نظر بسط مناسبات با احزاب کمونیستی و کارگری جهان و جنبشهای رهایی ملی، دستاوردهای گرانقدری داشته است. این مناسبات و پیوندهای انترناسیونالیستی پشتوانه نیرومندی برای مبارزات خلق ما علیه امپریالیسم و علیه ارتجاع حاکم است. گسترش باز هم بیشتر روابط رفیقانه با احزاب برادر و جنبشهای دموکراتیک و ملی در عرصه بین المللی همچنان در دستور کار سازمان قرار دارد.

رفقا!

پیروزیها و پیشرفتهای بزرگ ما آسان به دست نیامده اند. وزن و نقش و اهمیت و اعتباری که امروز شما فدائیان خلق ایران در جنبش انقلابی ایران و زندگی مردم زحمتکش ایران یافته اید نه محصول یک سال گذشته، بلکه دستاورد گرانقدر ۱۴ سال مبارزه ایست که در بدترین شرایط اختناق و سرکوب در شیبهای سرد بهمن ۴۹ شروع شد. امروز آن نهال، تنومند جنگلی است که انبوه درختان آن در عرق این آب و خاک چنان ریشه کرده اند که هیچ کس را دیگر یارای برکشیدن آن نیست.

اهمیت و اعتبار سازمان ما محصول ایستادگی و استقامت دلیرانه بنیانگذاران سازمان، محصول جانبازی و فداکاری رفقای مادرانهای اختناق در رژیم شاه، محصول صداقت و ایمان انقلابی همه بهاران ما و از همه مهتر محصول پویایی و خلافتی ستایش انگیز در شناخت حقایق و واقعیات و عشق و تعهدی بی خدشه و عمیق به توده های مردم زحمتکش ایران است.

بپهوه نیست که دیروز جلدان رژیم شاه بیشترین قربانیان شکنجه و ترور و تیرباران را از میان فدائیان خلق ایران گرفتند و امروز تپیکاران رژیم جمهوری اسلامی اینگونه برای درهم شکستن تشکیلات و صفوف سازمان ما تلاش می کنند. در چهاردهمین سال مبارزه سازمان ما، باز هم از رفقای ما به دست جلدان اوین و در دیگر شکنجه گاههای رژیم به شهادت رسیدند. در این سال رفقا منتهی میثمی

گذشته سالهای بسیار دشواری در تاریخ جنبش انقلابی میهن ما بوده اند. آغاز سیزدهمین سال تاریخ سازمان ما با آغاز شدیدترین و خونین ترین تلاشهای رژیم برای نابودی حزب توده ایران همزمان شد. از آن زمان توطئه و نجاچ رژیم علیه جنبش ما مردم دامنه بیشتری یافت. ما وظایف سنگین و سرنوشت سازی در برابر خود داشتیم که در تنگ و کوتاهی در انجام آنها می توانست بدترین زیانها و ضربات را مترجمه موجودیت جنبش انقلابی ایران کند. در پیام بمناسبت سیزدهمین سالگرد اعلام موجودیت سازمان، کمیته مرکزی انجام پیروزمندان و وظایف مقدم و فوری سازمان را به شما گزارش کرد. سال گذشته سال تکمیل وظایف تعیین شده سیاسی و سازمانی و سال گسترش تعرض متقابل ما علیه ارتجاع حاکم بود. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آغاز چهاردهمین سال حیات خود، در یکم اسفند ۶۲ انتشار دوره دوم کار، ارگان کمیته مرکزی سازمان را آغاز کرد. انتشار کار پس از دو سال وقفه، پیروزی بزرگی برای سازمان و جنبش کارگری و کمونیستی ایران بود.

در آغاز سال گذشته انتشار نشریه اکثریت بطور هفتگی آغاز شد و متعاقب آن نشریه "آموزههایی از انقلاب و سوسیالیسم" نیز کار خود را از سر گرفت.

اعلامیه ها، بیانیه ها، پیامها و رهنمودهای کمیته مرکزی طی سال گذشته، مواضع و سیاست سازمان و وظایف اعضا و هواداران را مشخص و اعلام کرده و وظایف مشترک همه نیروهای انقلابی و میهن پرست در قبال مسایل بنیادین جنبش را مورد تاکید قرار داده است.

برابر تصمیم کمیته مرکزی سازمان شعارنویسی و پخش تراکت مورد توجه جدی قرار گرفت و انتشار اعلامیه و تراکت در رابطه با اعتصابات کارگری و دیگر حرکات توده ای افزایش چشمگیر یافت. پخش نشریات سازمان در طول سال بگونه ای چشمگیر افزایش یافت. خصوصاً سطح توزیع نشریه کار که یگانه نشریه مترقی است که مخفیانه بطور منظم در سراسر کشور انتشار می یابد متدرجاً افزایش یافته است.

به موازات فعالیت های ثمر بخش سازمان در زمینه سیاسی و تبلیغی، روند انطباق ساخت تشکیلاتی با شرایط مختلف و سرکوب با موفقیت ادامه یافت. تشکیلات ما در وضعیتی قرار گرفت که بهتر از هر زمان توطئه ها و تهاجمات دشمن را خنثی می سازد. تدابیر سازمانی و امنیتی برای حفظ رهبری و کادرهای سازمان مطابق برنامه تعیین شده به اجرا گذاشته شد و مرحله نهایی را طی کرده است. واقعیات نشان می دهد که تدابیر سازمانی فوق به گونه ای نبوده است که بازده فعالیت تبلیغی ما و حضور و نقش مادر مبارزه جاری توده ها را کاهش دهد. ابعاد فعالیت تبلیغی سازمان نسبت به همه دوران دو ساله اخیر افزایش یافته است.

رفقا!

بی گمان برگزاری پیروزمندان پلنوم همراه

گزارشی از وضعیت کنونی دانشگاه‌ها

بقیه از
صفحه اول

جایی رسانده است که وزیر علوم در گزارش خود به مجلس شورای اسلامی اعلام داشت که تعداد استاد از ۱۲۹۰۰ نفر در سال ۵۷ به ۶۵۰۰ نفر در سال ۶۲ یعنی به کمتر از نصف رسیده است و این در حالی است که همزمان با اخراج استادان مجرب، سفارتخانه‌های رژیم در کشورهای غربی و هیئت‌های اعزامی در به در به دنبال جلب استادانی جهت تدریس در مراکز آموزش عالی می‌گردند.

برنامه‌های آموزشی رژیم نیز در این زمینه - پایین آوردن سطح علمی دانشگاه‌ها بسیار کار سازند پس از مدتی سرگردانی دانشجویان جدید، واحدهای درسی ارائه شده به دانشجویان ترم اول پزشکی در دانشگاه تبریز، در سال تحصیلی جاری بدین‌قرار بوده است!

عربی ۲ واحد، تربیت بدنی ۱ واحد، انگلیسی ۲ واحد، فارسی ۴ واحد، ریاضیات و آمار ۲ و کمک‌های اولیه ۲ واحد.

در بعضی دانشگاه‌ها به دلیل ضعف درسی دانشجویان پذیرفته شده در سال ۶۲ بویژه آنها که از طریق سهمیه نهادها پذیرفته شده‌اند، کلاسهای پیش دانشگاهی دایر گشته است.

بخش زیادی از وقت دانشجویان به درس معارف اسلامی اختصاص یافته است که بشدت حضور و غیاب در آنها کنترل می‌شود. آئیننامه‌ای ابلاغ کرده‌اند که هر دانشجویی بیش از دو نهم کل ساعات درس را از کلاس غیبت کند، از آن درس محروم خواهد شد. این حد نصاب قبلاً یک سوم بوده است.

مشکلات رفاهی دانشجویان

اکثر دانشجویان از نظر امکانات رفاهی و زیستی در شرایط بسیار نامناسبی بسر می‌برند. هزینه‌های سکنین زندگی و تحصیل، مشکل مسکن، وضعیت نامناسب تغذیه و وضعیت بهداشت دانشجویان از موارد قابل تاکید در این زمینه است. این مشکلات در تمام دانشگاه‌ها و مدارس عالی گریبانگیر دانشجویان است. تشریح وضعیت دانشگاه تبریز می‌تواند نشانگر وضع سایر دانشگاه‌ها نیز باشد.

مشکلات رفاهی و زیستی دانشجویان دانشگاه تبریز عبارتست از: کمبود خوابگاه، عدم پرداخت و یا ناچیز بودن وامهای تحصیلی و پرداخت آنها با تاخیر حداقل ۴ ماهه، کمبود سرویس ایاب و ذهاب، وضع نامنجان غذاخوری دانشگاه از لحاظ تراکم جمعیت، کیفیت و کمیت بسیار نازل غذا و گرانی قیمت آن، علاوه بر موارد فوق برخوردهای توهین آمیز دست اندرکاران امر همچنان دانشجویان را آزار می‌دهد و موجبات نارضایتی روزافزون آنان را فراهم ساخته است. بطوریکه در هر فرصت و در هر جمع کوچک و بزرگ دانشجویی به این مسائل اشاره می‌شود. شدت نارضایتی دانشجویان باعث شده است که مسئولان خود را ناچار به شرکت در جمع دانشجویان، جهت پاسخگویی به سئوالات و مشکلات آنان ببینند. و البته از دانشجویان طلبکارم هستند که چرایی دادند "جنگ مسئله اصلی است!"

مشکل ایاب و ذهاب به یکی از مشکلات مهم دانشجویان ساکن خوابگاه اصلی این دانشگاه بدل شده است. این خوابگاه در ۲۰ کیلومتری دانشگاه

قرار دارد. برای انتقال نزدیک به هزار نفر دانشجویان ساکن آن روزانه ۲ و حداکثر ۵ دستگاه اتوبوس در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه اکثر دانشجویان تقریباً همزمان باید سرکلاسها حاضر باشند، رسیدن به دانشگاه به معضلی برای آنان بدل شده است. آنها مجبورند از ۶ صبح و گاه زودتر در صفهای طولانی بانتظار سرویس بایستند.

مشکل مسکن برای همه دانشجویان، و شرایط زیستی خوابگاه‌ها برای دانشجویانی که در خوابگاه‌ها سکونت دارند، نیز بسیار حاد و برجسته است. مادر شماره‌های گذشته تشریح منعکس کردیم که چگونه در تهران قریب ۷۰ نفر از دانشجویان را در سالنهای بزرگ اسکان داده‌اند و یا اینکه تنها از دانشگاه ملی قریب ۲۰۰۰ نفر به دلیل نداشتن مسکن ترک تحصیل کرده‌اند. پس دادن ساختمانهای استیجاری و مصادره‌ای به سرمایه‌داران بزرگ، که پیش از این بعنوان خوابگاه مورد استفاده دانشجویان قرار می‌گرفت. بر مشکل کمبود خوابگاه‌های دانشجویی افزوده است.

اکنون با خیانت رهبران رژیم به مردم و انقلاب بدستور حکام شرع، ساختمانهای مصادره‌ای به صاحبان مغتخورشان پس داده می‌شوند و یا مالکان ساختمانهای اجاره‌ای با حکم شرعی به تخلیه ساختمانها اقدام می‌نمایند. مادر تشریح مواردی از آنرا ذکر کرده بودیم. از موارد دیگر آن می‌توان از ساختمانهای شاهد و جهانگردی در تبریز نام برد.

در این زمینه یکی از دانشجویان دانشگاه تبریز در نامه‌ای برای تشریح می‌نویسد: "تراکم جمعیت در خوابگاه‌ها بسیار زیاد است. در هر اتاق ۴ دانشجو زندگی می‌کنند، بطوریکه حتی برای خوابیدن هم جا نیست چه رسد به مطالعه. در اعتراضی که به این وضع داشتیم، جناب رئیس دانشگاه با آن قیافه نورانی‌شان! به دانشجویان پیشنهاد کردند با این وضع را تحمل کنید یا نصف‌تان در شهر خانه بگیرید تا بقیه راحت باشند. لازم به ذکر است دکتر شجاع رئیس پیشین این دانشگاه، چندین میلیون تومان بودجه خوابگاه دانشجویی را برای خوش خدمتی در پیش مقامات بالاتر، تحت عنوان صرفه جویی پس فرستاده بود.

... ضمناً دانشجویان خوابگاه ما از فشارهای متعدد دیگری نیز رنج می‌برند. این خوابگاه با وجود بیش از هزار دانشجو فاقد سلف سرویس است. برای این تعداد دانشجو باضافه ۱۵۰ نفر دانشجوی متاهل تنها یک دستگاه تلفن وجود دارد. از ۸ صبح تا ۸ شب بلندگوهای محوطه خوابگاه با صدای گوشخراش دانشجویان را برای مکالمه تلفنی فرا می‌خوانند. برای تکمیل فشارهای روانی صبح و ظهر و شب اقدام به پخش قرآن، اذان، دعای کمیل و مرثیه و ... از بلندگو می‌کنند" در سایر دانشگاه‌ها و مدارس عالی نیز وضعیت کم و بیش بر همین روال است. دانشجویان از نظر فشارهای سیاسی، کمبودهای آموزشی و شرایط رفاهی و زیستی در شرایط و وضعیت سختی بسر می‌برند. در اعتراضنامه‌ای که با امضای دانشجویان ترم سوم پزشکی دانشگاه تهران برای مقامات رژیم ارسال شده است، بر عدم انطباق دروس با نیازهای جامعه، پایین بودن سطح سواد علمی برخی

از استادان، پائین بودن کیفیت برنامه‌های آموزشی، "سرکوب هر گونه انتقاد و پیشنهاد دانشجویان تحت عنوان مخالفت با ولایت فقیه" تاکید شده است. همچنین در رابطه با مشکل خوابگاه دانشجویان، در این نامه گفته شده است که خوابگاه‌ها از امکانات بهداشتی محروم هستند و در خوابگاه‌ها بیماریهای پوستی و قارچی شیوع بسیار دارد.

در رابطه با وضع غذای سلف سرویس دانشگاه در همین نامه گفته شده است که انواع حشرات و غیره هر روز در ظروف غذای دانشجویان دیده می‌شود. در نامه مزبور قید شده است که به اعتراضات دانشجویان با قنوت و تهدید و در بهترین صورت با "دعوت به صبر"، پاسخ داده می‌شود.

دست اندرکاران حکومتی در مراکز آموزش عالی تلاش می‌کنند نظارت و کنترل خود را بر دانشجویان افزایش دهند. فعالیتهای انجمن‌های اسلامی در دانشگاه‌ها، بیش از پیش جنبه جاسوسی و خبرچینی بخود می‌گیرد. دانشجویان نام آنها را "آنتن" و "دکل" گذاشته‌اند و در این زمینه طنزها و لطایف بسیاری نیز پرداخته‌اند. نمونه‌ها و گزارشات گویایی از طرد و انزوای شدید انجمنهای اسلامی و نیروهای وابسته به حکومت دیده می‌شود.

بالا گرفتن بحران عمومی در عرصه‌های مختلف اجتماعی و گسترش اعتراضات و نارضایتی مردم از سرکوبگریها و نیز فجایع آموزشی رژیم در دانشگاه‌ها و بویژه اخراج گسترده دانشجویان و استادان در میان سردمداران جمهوری اسلامی، دست زدن به برخی مانورها و اقدامات ظاهری در دانشگاه‌ها راه دنبال داشته است. که این خود به درگیریهای نیروهای مختلف حکومتی در مراکز آموزش عالی دامن زده است.

اوضاع فاجعه آمیز دانشگاه‌ها

بهر حال اکنون در کنار انگیزه‌های سیاسی دانشجویان در مخالفت با سیاستها و ماهیت ضد مردمی رژیم، تشدید مشکلات دانشجویان و رشد روزافزون نارضایتی در میان آنان از یک سو و بی‌توجهی مسئولین نسبت به این مشکلات که اختناق و سرکوب بی‌سابقه را نیز با خود همراه دارد، نمی‌تواند به برخورد و اعتراضات گسترده‌تر و تندتر دانشجویان با ایادی رژیم نیانجامد.

چندی پیش وزیر آموزش عالی جمهوری اسلامی در مجلس کارنامه رژیم را در زمینه آموزش عالی ارائه کرد. وی با مقایسه آمار دانشجویان و استادان در مراکز آموزش عالی ایران با سایر کشورها، گفت در حال حاضر در ایران ۱۵۰ هزار دانشجو وجود دارد که با حساب ۲۰ هزار دانشجو تربیت معلم، به ۱۸۰ هزار نفر می‌رسد در ایران هر ۲۲ نفر دانشجو یک استاد دارند در حالیکه این رقم حدود دو برابر متوسط سایر کشورهاست. بودجه‌ای که به مسئله آموزش عالی اختصاص داده می‌شود، ۲/۵ درصد کل بودجه دولتی است، حال آنکه کشورهای دیگر تا ۸ درصد بودجه خود را به این امر اختصاص می‌دهند.

همچنین رئیس دانشگاه تهران نیز در یک مصاحبه گفت: "نزدیک به بیست و پنج هزار دانشجو در این دانشگاه (دانشگاه تهران) مشغول تحصیل هستند و این در حالی است که خوابگاههای دانشگاه تهران گنجایش بیش از ۲ هزار نفر را ندارند."



تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

کودها را جولانگاه گزیده‌های رفتارنگ خود کرده است و هر ندای آزادیخواهانه‌ای را با زندان و اعدام پاسخ می‌گوید.

گزارشهایی که رفقای مبلغ و سازمانگر ما از فعالیت‌های خود می‌نویسند، همگی سندهایی هستند که بر شور و آگاهی دشمن شکن آنها دلالت دارد. این گزارش‌های پاسخ‌هایی در خور هستند به الزامات فدایی بودن. به نمونه‌ای از این گزارش‌ها نظر می‌افکنیم، گزارشی که مسئول یکی از واحدهای سازمان در تهران برای نشریه مانگاشته است:

"... در زیر نمونه‌هایی از حرکات چشمگیر رفقا را در چند هفته گذشته برایتان می‌نویسم اما قبلاً باید بتویم که فعالیت بچه‌ها در ظرف هفت هشت ماهی که پشت سر نهاده ایم، گسترش عجیبی یافته است و دیگر آدم لازم نیست برای دیدن کارهای تبلیغی رفقا چشمان تیز بین، داشته باشد. هر ناظری به سادگی

"... مقدار زیادی اعلامیه در کارخانه تراکتورسازی پخش شد. وحشت انجمن اسلامی مدیریت به حدی بالا گرفت که سپاه را خبر کردند. همه کارگران را وقت خروج از کارخانه بازرسی بدنی کردند تا با خود اعلامیه نبرند. تا چند روز بازرسی بدنی در هنگام ورود به کارخانه نیز معمول شد. همین وحشت عوامل رژیم بازتاب پخش اعلامیه‌های ما را در میان کارگران، وسعت بیشتری بخشید:"

"... بر طبق قرار قبلی به یکباره در چند دانشکده دانشگاه تهران کار را پخش کردیم. آنروز همه لیخندها برای ما معنی ویژه‌ای داشتند. خرکتمان تاثیر مطلوب خود را به جا گذاشته بود."

"... روز بعد نوبت کارخانه داروپخش بود. وقتی کارگران دسته دسته از کارخانه بیرون می‌آمدند اعلامیه‌ها را پخش کردیم. بی‌گمان به هر کس بیش از یکی رسید..."

"... پخش وسیع اعلامیه در خیابان آذربایجان..."

"... شعارنویسی گسترده در جنوب غربی تهران..."

"... پخش اعلامیه در جاده ساره..."

"... خیابان جمهوری..."

...

در خدمت خلق می‌طپد جانش
زیبائی جنبش است ایماش
این باغچه عاشقانه جای تو است
از خون شهادت زار عکس‌زاش

می‌تواند شعارهای سازمان را بر دیوارها، کیوسکهای تلفن، داخل اتوبوسهای شرکت واحد، آسانسورها و... ببیند. اما رفقا! با تمام حرکاتی که صورت گرفته هنوز راهی طولانی در پیش است تا بتوانیم به مجموعه و نلایی که بردوش ماست، جامه عمل پوشیم و به راستی شایسته عنوان فدایی خلق باشیم. ما مصممیم که یک دم نیز آرام نگیریم. همه رفقا برای ابراز ایثار و فداکاری، تا بدان حد که بتوانند ارتجاع رایجی دندان شکن دهند، آماده هستند. ما هر روز دستاوردهای بیشتری در زمینه تبلیغ و سازمانگری در میان مردم، در میان کارگران و زحمتکشان به دست می‌آوریم، اما به هیچ یک بسنده نمی‌کنیم. باید دامنه ابتکارات انقلابی خود را گسترش بخشیم و مشعل رزم خود را دم فروزانتر سازیم.

به گزارش برخی از فعالیت‌های تبلیغی‌مان بپردازم:

سه هفته پیش، از طبقات بالای ساختمان پلاسکو تعداد زیادی اعلامیه در مورد اعتصاب کارگران ذوب آهن پخش شد، اعلامیه‌ها شلوغترین نقطه خیابان جمهوری را پوشاندند. مردم با اشتیاق آنها را بر می‌داشتند، یا در جیب خود می‌نهادند و یا چند

آری! فدائیان خلق پیش می‌تازند، استوار زنان و مردانی که بر ۱۴ سال دلاوری، پایداری و پویندگی تکیه دارند، رزمندگان که بر بنیاد آگاهی دوران ساز خویش بدر آگاهی می‌پراکنند و در پیرامون خویش، در شعاعی گسترده، گسترده آنچنان که دور افتاده‌ترین روستای میهنمان را نیز در بر می‌گیرد، شور و امید می‌آفرینند. آنان با تلاشی پیگیر توره‌های اختناق را پاره کرده و عرصه را بر دشمنان تنگ می‌کنند. حضور آنان در میان کارگران و زحمتکشان حضوری ملموس است، حضوری که حکایت از یک درهم تنیدگی انکارناپذیر دارد.

فدائیان خلق در آستانه پانزدهمین سال حیات پرافتخار سازمان خویش، بنا بر این رهنمود که "آگاه‌سازی و بسیج و سازماندهی توده‌ها در گرو پیشبرد موثر و گسترده افشاکاری و تبلیغ سیاسی در سطح جامعه است" امر تبلیغ سیاسی را با گستردگی و خلایقیت، و با شهامت و از خود گذشتگی به انجام می‌رسانند، پیام کمونیست‌های ایران را که "صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی" است به میان توده‌های مردم می‌برند و آگاهی و تشکر را با کوچکترین نمود نارضایتی و انزجار از نظام موجود در می‌آمیزند. آنان پرچم رزم انقلابی خود را در شرایطی برافراشته نگه داشته‌اند که ارتجاع دم بدم اسارتگاه‌هایش را گسترش می‌بخشد، خیابان‌ها و

نفری به خواندن آنها می‌پرداختند. مردم زیادی جمع شدند. همه با اشتیاق از "فدایی" نام می‌بردند. بعد از ده دقیقه کمیته بهارستان سر رسید. کمیته‌چی‌ها با بلندگو از مردم خواستند به اعلامیه‌ها دست نزده و متفرق شوند. صحنه شادی‌آوری بود. کمیته‌چی‌ها سراسیمه بودند و در عوض مردم ابراز شادی می‌کردند و با خشم و نفرت به مزدوران رژیم می‌نگریستند. در این میان یک اتفاق جالب پیش آمد. یکی از مقامات که با ماشین ضد کلوله عبور می‌کرد در برخورد با ازدحام مردم متوقف شد و هنگامی که متوجه جریان گردید به یکی از محافظین خود دستور داد تا از یک درخت بالا رود و اعلامیه‌ای را که در میان شاخه‌های آن گیر کرده بود، بردارد. مردم به این جریان بوزخند می‌زدند و با صدای بلند متلک می‌گفتند.

پخش اعلامیه از بالای ساختمان پلاسکو در تهران انعکاس وسیعی یافت. ما این شیوه را قبلاً با پخش اعلامیه از بالای ساختمان بلندی که در نزدیکی ایستگاه کاوه (در جوار میدان انقلاب) واقع است، تجربه کرده بودیم. از بالای این ساختمان صداها تراکت در مورد زندانیان سیاسی پخش شد که تنها تعداد اندک شاری از آنها روی زمین باقی ماند و به دست کمیته‌چی‌های سراسیمه و وحشت زده افتاد.

در ۴ سینما که فیلم‌های خوب نمایش می‌دادند (نظیر مادرماریا) از بالکن سینما اعلامیه مربوط به جنت و زندانیان سیاسی پخش گردید که با استقبال مردم مواجه شد. مردم اکثر اعلامیه‌ها را با خود بردند. در دو مورد، ۱۵ دقیقه بعد از پخش اعلامیه پاسداران سر رسیدند و جلوی در سینما شروع به بازرسی بدنی مردم کردند. این گونه تلاش‌های کمیته‌چی‌ها به برد کار ما بیشتر می‌افزاید و بازتاب اقدامات تبلیغی ما را وسیع تر می‌کند. به قول رفقا به کمیته‌چی‌ها باید گفت: عرض خود می‌بری و زحمت ما می‌داری! این گونه کنترلهای و بازرسی‌ها را با رعایت اصول امنیتی می‌توان خنثی کرد اما در عوض رژیم به این وسیله خود را بیشتر بی‌آبرو می‌سازد.

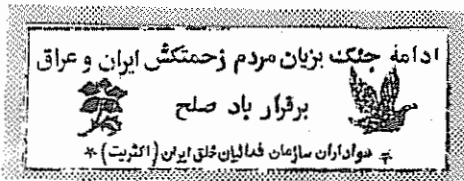
استقبال مردم از اعلامیه‌های پخش شده همواره بسیار چشمگیر و شورآفرین بوده است. جلوی در ورودی یک زمین خاکی که بچه‌های محل در آن مسابقه می‌دادند و حدود ۲۰۰ نفر تماشاگر در آن جمع شده بود، یک دسته اعلامیه گذاشتیم. بعد از پایان مسابقه به هر کس یک یادو اعلامیه رسید. در مواردی افراد بر سر به دست آوردن اعلامیه بیشتر باهم جر و بحث می‌کردند. در منطقه زیرپوش ما، در داخل کیوسکهای تلفن و اتوبوسهای شرکت واحد، و هر نقطه‌ای که گمان می‌کنیم موثر واقع می‌شود، شعارهای سازمان و نیز طول موج و ساعت پخش رادیوی صدای زحمتکشان، نقش بسته است.

در حال حاضر از پست کردن اعلامیه‌های

مردم نهبوند از طریق یکدیگر در جریان مضمون این اعلامیه قرار گرفتند.

"... در یک شب توانستیم بخش وسیعی از ماسوله را با "کار" بپوشانیم. در ماسوله به راحتی می توان به کار دسترسی پیدا کرد."

"... از برچسب استفاده وسیعی به عمل می آوریم. راه چاپ برچسب را به خوبی یاد گرفته ایم و اکنون هر هفته دست کم ۱۰۰۰ عدد برچسب را بر در و دیوار منطقه می چسبانیم. نمونه ای از یک برچسب را همراه با این نامه برایتان می فرستم."



"مادریکی از رفقا که به خارج آمده است: یک روز صبح زود برای خرید نان از خانه خارج می شدم (در شهر فومن). مشاهده کردم که جلوی در همه خانه های اعلامیه گذاشته اند. برداشتم نگاه کردم، دیدم اعلامیه سازمان است. ذوق زده شدم. به جان همه بچه ها دعا کردم."

"نامه رفیقی از آلمان: رفقا، اخیراً من با برادرم در ایران مکالمه تلفنی جالبی داشتم که خیلی مرا به وجد آورده است. هدفم از تلفن زدن به برادرم که هوادار است این بود که او را در جریان تشکیل پلنوم بگذارم، ولی او زودتر از من از این موضوع خبر داشت. تا آنجایی که به خاطر دارم مکالمه تلفنی ما چنین بود: یک خبر خوش برایت دارم. - مهمانی را می گویی؟ خودم خبر دارم. دیشب من می خواستم به تو تلفن بزنم و در جریان بگذارم. پس وضعتان خیلی خوب شده!

- آره. اگر کارت دعوت مهمانی لا منتظرش کار ویژه پلنوم بود) را می خواهی بگو برایت بفرستم. شلوار، پیراهن هر چیز دیگری هم می خواهی بگو. وضع تولید داخلی خیلی خوب شده است!"

ما نسخ توکم را خوانده است
این گونه شود رفته خوانده است
آه نخته توکل فله و شکست
جان همه ما شکست خوانده است

را به کار اندازیم تا پاسخگوی نیازهای همه رفقای این قسمت باشد."

"... همزمان سه هفته اعلامیه ها را در دروازه شمیران، میدان امام حسین و میدان هفت حوض پخش کردند. رفقا از تاثیر کار خود بسیار شادمان گشته اند. امیدواریم در گزارش بعدی بتوانیم نمونه های بیشتری را ارائه دهیم."

"... دریاچی آباد به دنبال پخش وسیع کار و شعار نویسی گسترده بچه ها، بر تعداد کشت های شبانه افزوده اند. از قراری که شنیدیم برای بسیجی ها دستورالعمل های تازه ای رسیده است... رفقا با هوشیاری و تلفیق انقلابی خود را به انجام می رسانند. کنترلهای جدید امنیتی مزدوران رژیم، فعالیت های تبلیغی ما را دچار وقفه نساخته است."

"... در منطقه سی متری جی، که مامورین از زدودن شعارهای فدائیان خلق ناتوان مانده اند، در کنار شعارهای فدائیان خلق در دفاع از حقوق

از پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان به اعضا و هواداران:

رفقا! فرزندان جنبش کارگری و کمونیستی ایران! میاده عزم تان استوار، رزم تان پرتوان، اندیشه تان پربار و قلب تان پرشور و آتشین باد! امماره هینکونه و باز پرتوان تر بچم رزم کارگران و رنجبران بدست شما آتش های روزگار ما بدست شما که جان در بیگان دشمن سوز انقلاب می فحید، از خاکستر مرگ و اندوه، گلزار شاد زندگی را فرامی رویانید و بر آوار کاخ ستم، کاخ سروری و دادرسی رنجبران را بپای می کنید، افراشته و افراشته تر باد! سرد سرخ ما، سرود کوبنده کارگران، دیوارهای سکوت را فرو می کوبد و پهنای ایران را فرامی گیرد. چرا که ما به دیدار زندگی از دیوارهای مرگ می گذریم و در ژرفنای ظلمت بدر آفتاب می کاریم و بسوی پیروزی، بسوی آزادی و بهروزی، بسوی روز نو و جشن نوروزی پیش می رویم.

کارگران نوشتند: مرگ بر کارگر و فدایی! این شعار، به مثابه خود افشاگری ارتجاع، ساکنین سی متری جی را بیشتر از پیش به میزان نفرت حکومت از طبقه کارگر و علت کینه آنان نسبت به فدائیان خلق، واقف ساخت."

"... در شهر ما (گنبد کاووس) شعار نویسی رفقا نیروهای رژیم را به وحشت انداخته است. به شهربانی دستور داده اند که به شدت مواظب شعار نویسی فدائی ها بوده و در دیوارها را پاک کنند. شنیده شده است که برای کمیته و شهربانی جلساتی تشکیل داده و برای جلوگیری از تبلیغات سازمان، به آنها دستورات جدیدی داده اند."

"... در نهبوند، به دنبال پخش وسیع اعلامیه سازمان در مورد جنگ، کمیته چپ ها یک نسخه از اعلامیه را در نماز جمعه خوانده و به زعم خودشان برای فحاشی به ما آن را تفسیر کردند. احقها با این کارشان برد انتشار اعلامیه را وسیعتر ساختند. همه

سازمان تنها به عنوان یک شکل محدود فعالیت تبلیغی استفاده می شود چرا که پخش کار و اعلامیه ما عمدتاً به صورت مستقیم انجام می گیرد. در مورد تاثیر بخشی اوراق پست شده، رفقا نمونه های جالبی را مشاهده کرده اند. خود من شاهد مکالمه دو نفر دانشجو بودم که در داخل اتوبوس از شماره جدید کار که از طریق پست دریافت کرده اند صحبت می کردند. آنها می گفتند: "فدایی ها برای خیلی ها اعلامیه پست می کنند". در یک مورد یک فرد زحمتکش که اعلامیه و تراکتهای سازمان در مورد جنگ را از طریق پست دریافت کرده بود، اعلامیه را به دیگران نشان داده و گفته بود: "فدایی ها برای من نامه فرستاده و گفته اند جنگ باید تمام شود، مردم صلح می خواهند". اطرافیان این فرد زحمتکش مرتب از او سراغ اعلامیه های جدید را می گیرند و او در پاسخ می گوید وقتی به دستم رسید، برایتان می آورم."

در یک مورد دیگر شاهد بوده ایم که یکی از زنان محله ای که در آن اعلامیه پخش شده بود، اعلامیه را به همسایه ها نشان داده و می گفت: "علیه دولت نوشته، این فدایی ها ساکت ننشسته و مبارزه می کنند."

تبلیغات وسیع ما خشم ارتجاع را برانگیخته است. هر نقطه ای که زیر پوشش تبلیغات ما قرار می گیرد، بلافاصله شاهد یورش کمیته چپ ها می گردد. یکی از مسئولین حزب جمهوری اسلامی در جمعی با حضور مقامات استانداری گفته است: "۹۰ درصد اعلامیه هایی که در قزوین پخش می شود، مربوط به فدائیان است. به زودی ترتیب آنها را می دهیم." ما پیوسته شیوه های کار خود را تکامل داده و با ابتکارات خود گزیده های رژیم را غافلگیر و حیرت زده می کنیم.

رفقا! ما می کوشیم وظایف خود را با جدیت و پیگیری به انجام رسانیم.

استقبال مردم و نیازهای جنبش ما را بر آن می دارد که مرکز به یک یا چند دستور - هر قدر هم که تاثیر بگذارد - قانع نشویم. ما فدایی خلقتیم، این عنوان باید در این شرایط تلوی شایسته خویش را بیابد."

همه گزارشها چنینند: از ایثار و تلاش حکایت دارند و شور و شوقی که پشت دشمن را می لرزاند. ما در آینده می کوشیم نمونه های بیشتری از فعالیت های تبلیغی رفقایمان را در نشریه درج کنیم. اکنون باز به بریده های دیگری از گزارشهای تبلیغی فدائیان در داخل کشور، نگر می افکنیم:

"... ساعت ۴/۵ بعد از ظهر یک هفته از رفقا ۲۰۰ اعلامیه مربوط به جنگ را در جلوی دبیرخانه دانشگاه پخش کردند. نیم ساعت بعد همه دیگری ۵۰۰ اعلامیه در خیابان مولوی پخش کرد. رفقا طبق برنامه تنظیم شده به سرعت از محل دور شدند. رفقای ناظر، استقبال مردم از اعلامیه ها را بی نظیر گزارش کرده اند. در میدان مولوی، نیم ساعت بعد از پخش اعلامیه کمیته چپ ها سر رسیدند ولی خودشان هم مانده بودند که باید یقه چه کسی را بگیرند."

رفقا! شور و فعالیت همین دو هفته تا به حدی است که اصرار می ورزند روزی دست کم دوبار پخش داشته باشند. در صد دیه سلولهای انتشاراتی بیشتری

از میان رویدادها



بالا گرفتن شدت جنگ در جبهه‌ها

در هفته گذشته درگیری بین ایران و عراق بویژه در جبهه جزیره مجنون، شدت یافت. عراق اعلام نمود که یک نیروی ۴۰۰۰ نفره را با کمک هواپیماهای جنگی، بسیج کرده است تا جزیره مجنون را تصرف کند. در مقابل جمهوری اسلامی اعلام کرد حمله عراق موفق نبوده و دفع گردیده است. هر دو طرف مدعی شدند که تعداد زیادی سرباز طرف مقابل را اسیر کرده‌اند.

جمهوری اسلامی در مجموع کوشید خبر مشخصی در مورد درگیریهای هفته گذشته انتشار ندهد و آنها را بی اهمیت جلوه دهد. در سطح مسئولین رژیم، تنها خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه تهران، اشاره‌ای گذرا به حمله عراق نمود.

سفر وزیر اطلاعات به استانهای کرد نشین کشور

سفر اخیرری شهری، وزیر اطلاعات به استانهای کردستان و آذربایجان غربی نشان می‌دهد که وزیر اطلاعات در کمیسیون ویژه مسائل کردستان در هیأت دولت (خبر تشکیل این کمیسیون در اکثریت شماره ۴۰ درج شده بود) نقش برجسته‌ای دارد.

ری شهری در سفر اخیر خود به استانهای کرد نشین ضمن بررسی اوضاع این مناطق، مدیران کل اطلاعات استانهای کردستان و آذربایجان غربی را معرفی نمود. جزئیات سفر وزیر اطلاعات به استانهای مذکور فاش نشده است. اما پیداست که ایجاد تشکیلات ساواک جمهوری اسلامی در این استانها از جمله دلایل اصلی آن بوده است.

قائم مقام کمیته‌ها:

مامجری اوامر وزارت اطلاعات هستیم

حجت الاسلام احمد سالک قائم مقام کمیته‌های انقلاب اسلامی در طی گفتگویی با روزنامه جمهوری اسلامی اعلام نمود که کمیته‌ها در رابطه مستقیم با وزارت اطلاعات هستند و به مثابه یکی از بازوهای اجرایی ساواک جمهوری اسلامی عمل می‌کنند.

وی در این گفتگو همچنین اعلام داشت طرحی از حدود ۱/۵ سال پیش در کمیسیون امور دفاعی مجلس مورد بحث قرار دارد که بر مبنای آن شهربانی، ژاندارمری و کمیته‌ها درهم ادغام خواهند شد. در مورد این طرح هنوز تصمیم گیری نهایی به عمل نیامده است اما علی‌رغم این موضوع در زمینه‌های خاصی نیروهای انتظامی درهم ادغام می‌شوند که نمونه آن تشکیل پاسگاههای تلفیقی در مرزهاست. به گفته حجت الاسلام سالک در سینار فرماندهان کمیته‌ها در مشهد تا کنون ۷۸ پاسگاه تلفیقی در مرزهای شرقی کشور، ایجاد شده است و قرار است به تدریج درهمه

پاسگاههای مرزهای کشور نیروهای کمیته در کنار نفرات ژاندارمری مستقر شوند.

عقد قرارداد سه میلیارد دلاری با ترکیه

در سفر اخیر میر حسین موسوی به ترکیه یک قرارداد تجاری و اقتصادی سه میلیارد دلاری برای مدت یک سال بین جمهوری اسلامی و رژیم ترکیه به امضا رسید. بر اساس این قرارداد جمهوری اسلامی در مقابل صدور ۶ میلیون تن نفت، دو میلیون تن فرآورده‌های آن و اندکی اقلام غیر نفتی به ترکیه، فلزات، منسوجات، ماشین آلات، ابزار صنعتی، وسایل الکتریکی و الکترونیکی، مواد شیمیایی و پلاستیکی و برخی محصولات دیگر از این کشور خریداری خواهد کرد. موسوی و اوزال، نخست وزیران دو کشور، از انعقاد قرارداد ابراز خرسندی بسیار کرده و آثرابه سود دو رژیم خواندند. میر حسین موسوی در این مورد گفت خطاب به تورکوت اوزال گفت: "ما برای رابطه خود با شما اهمیت زیادی قائلیم. توسعه روابط اقتصادی و تجاری ما با شما جنبه موقت ندارد، بلکه پیوستگی عمیقی به آینده خواهد داشت و ما آن را جزو برنامه‌های درازمدت خود می‌دانیم. برای ما خرید از کشور شما یک جنبه عقیدتی دارد."

یکی از موفقیتهای دولت ترکیه در ملاقات اوزال با میر حسین موسوی جلب نظر رژیم جمهوری اسلامی برای صدور گاز و نفت ایران از طریق دریای مدیترانه است. انجام این پروژه که منوط به عبور خط لوله از خاک ترکیه است، منافع فراوانی برای رژیم ترکیه در بر خواهد داشت.

به نوشته روزنامه‌های غربی، یکی دیگر از موفقیتهای اوزال در این مذاکرات تعهد رژیم ایران مبنی بر ایجاد تضمینات بیشتر برای ارامنه است. در مورد تضمینات مشترک دو رژیم در جریان این مذاکرات برای سرکوب خلق کرد در ایران و ترکیه، خبر مشخصی انتشار نیافته است.

کمبود مواد سوختی، همچنان ادامه دارد

علی رغم تداوم سرمای شدید ماه گذشته خاصه در استانهای همچون آذربایجان و کردستان، عرضه مواد سوختی همچنان اندک است و در این زمینه تغییر محسوسی پیش نیامده است. دولت در موارد متعددی کوشید در زمینه کمبود مواد سوختی توزیع کننده‌های جز، را مقصر جلوه دهد ولی این گونه تمهیدات برای کاهش حرکات اعتراضی مردم در این عرصه، مسیر واقع نشد. مردم به درستی تداوم جنگ را عامل اصلی کمبود نفت می‌دانند و در صفهای طولی که جلوی نفت فروشی‌ها تشکیل می‌شود این عقیده را ابراز داشته و با صدای بلند نفرت خود را از رژیم اعلام می‌کنند. برخی از شهرستانها چندین هفته است که سهمیه نفت خود را دریافت نکرده‌اند به عنوان نمونه اهالی بیشتر در تاس با روزنامه کیهان اعلام کرده‌اند که بیش از یک ماه است نفت به این شهر نیامده و این در حالی است که مردم مجبورند در سرمای ۱۰ درجه زیر صفر، ساعتها در مقابل نفت فروشی‌ها منتظر بمانند و بالاخره دست خالی به خانه‌های سرد خود بازگردند. مسئول شعبه شماره یک نفت در بستر ادعای رژیم

مبنی بر این که نفت فروشی‌ها در کمبود مواد سوختی مقصرند را تکذیب کرده و گفته است: "از آخر آذرماه پول سه تا نکر نفت را فرستاده ایم اما هنوز از تیریز برای ما نفت نرسیده است."

تداوم درگیری بر سر کمیته امور صنفی

درگیری بر سر کمیته امور صنفی همچنان ادامه دارد. تجار بزرگی که بازار را در زیر سلطه خود دارند، به دنبال اعلام غیرقانونی بودن کمیته امور صنفی از سوی وزارت بازرگانی، نشان داده‌اند که بسیار متشکل و حساب شده عمل کرده و حاضر به پذیرش هیچگونه کنترل دولتی نیستند.

همچنان که در "اکثریت" شماره ۴۰ در همین صفحه خبر دادیم، سران بازار در طی یک گردهمایی تصمیم گرفته‌اند در جهت تشکیل مجمع امور صنفی و شورای مرکزی اصناف حرکت کنند و به این ترتیب با بسیج و بکارگیری اتحادیه‌های متعدد صنفی زیر سلطه خود، حرفشان را در برابر وزارت بازرگانی به کرسی بنشانند. به دنبال این گردهمایی، از سوی اتحادیه‌های مختلف اصناف، پیاپی، اطلاعیه‌های پشتیبانی مختلفی در جراید به چاپ رسید که هنوز وزارت بازرگانی نتوانسته است در برابر آنها از خود واکنش نشان دهد. نمونه‌ای از این اطلاعیه‌ها در زیر کلیشه شده است:

انجمن نظارت بر انتخابات صنفی تهران

تصمیمات مجمع عمومی مورخ ۱۶/۱۲/۶۳ در مسجد امام جهت اجرای ماده ماده ۱۰ و ۳۱ قانون نظام صنفی مصوبه شورای انقلاب اسلامی با انتخاب به جا و نایب به برادران حاج محسن لبانی و حاج مجتبی قائم مقامی و حاج محمد تگوییان بست هیئت رئیسه، موجب خشودی اعضای این صنف گردید و هر چه بیشتر تشکیل شورای عالی اصناف را خواستاریم. اتحادیه صنف تهیه کنندگان و فروشندگان کالای کشف و جوراب کاموا، پتو و حوله تهران و حومه

انتکای رژیم به درآمدهای حاصل از فروش نفت، دم به دم بیشتر می‌شود

رئیس و سه عضو کمیسیون نفت مجلس، در گفتگویی با کیهان اول بهمن، اعتراف کرده‌اند که انتکای رژیم به درآمدهای حاصل از فروش نفت، هر ساله افزایش بیشتری می‌یابد. حجت الاسلام سعیدیان فر عضو کمیسیون مذکور، در این گفتگو اعلام نمود: "هم اکنون بودجه ما طبق آنچه بطور رسمی ارائه شده حدود ۵۰ درصد متکی به نفت است که در حقیقت ۹۰ درصد به نفت تکیه دارد."

اعضای کمیسیون نفت مجلس همگی معترفند که طرح افزایش تولید کالاهای غیر نفتی عملاً در حد حرف و شعار باقی مانده است و انتکای به نفت دم به دم بیشتر شده است.

نورالله عابدی نماینده بهبهان در مجلس در گفتگویی مذکور جدول زیر را ارائه نمود که نشان دهنده نقش فائده درآمدهای نفتی در بودجه سالهای ۶۲، ۶۳ و سال آینده است.

ردیف	نوع درآمد	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴
۱	درآمد حاصل از فروش نفت	۱۳۶۲۰۰۰	۱۳۶۲۰۰۰	۱۳۶۲۰۰۰
۲	درآمد حاصل از فروش نفت	۱۳۶۲۰۰۰	۱۳۶۲۰۰۰	۱۳۶۲۰۰۰
۳	درآمد حاصل از فروش نفت	۱۳۶۲۰۰۰	۱۳۶۲۰۰۰	۱۳۶۲۰۰۰
۴	درآمد حاصل از فروش نفت	۱۳۶۲۰۰۰	۱۳۶۲۰۰۰	۱۳۶۲۰۰۰
۵	درآمد حاصل از فروش نفت	۱۳۶۲۰۰۰	۱۳۶۲۰۰۰	۱۳۶۲۰۰۰
۶	درآمد حاصل از فروش نفت	۱۳۶۲۰۰۰	۱۳۶۲۰۰۰	۱۳۶۲۰۰۰
۷	درآمد حاصل از فروش نفت	۱۳۶۲۰۰۰	۱۳۶۲۰۰۰	۱۳۶۲۰۰۰
۸	درآمد حاصل از فروش نفت	۱۳۶۲۰۰۰	۱۳۶۲۰۰۰	۱۳۶۲۰۰۰
۹	درآمد حاصل از فروش نفت	۱۳۶۲۰۰۰	۱۳۶۲۰۰۰	۱۳۶۲۰۰۰
۱۰	درآمد حاصل از فروش نفت	۱۳۶۲۰۰۰	۱۳۶۲۰۰۰	۱۳۶۲۰۰۰

دستاوردهای جمهوری اسلامی

یک نماینده مجلس:

"باطلیعه پیروزی انقلاب شاه فرار کرد و شاهنشاهی‌ها از رحمت اسلام مستعید شده و... ماسک مذهبی به چهره زده و با تغییر وضع ظاهری و ریختن اشک تمساح در روزار تخته‌ها نفوذ کردند... و باب ارتشاه و اختلاس را جهت مطامع شخصی گشودند. از طرفی نیز فرصت طلب‌ها با خریدهای بی‌مورد و اخذ پورسانت‌های کلان و افتتاح حساب در خارج، اقتصاد کشور را به تباهی کشاندند و در نتیجه، سربازان مالی و سومدیریت‌ها و کارشناسی‌ها شروع شد که آثار خیانتشان... مشهود است. انجام صدها فقره معاملات غیرقانونی در دفاتر اسنادرسی و عدم تبعیت سردفتران متخلف که هنوز هم ادامه دارد موجب خروج میلیاردها ارز از کشور گردیده و زمین‌های اوقاف را با تفکیک‌های غیرقانونی به فروش رساندند و اکثر سردفتران از پرداخت میلیون‌ها مالیات طفره رفتند... پرونده‌های عده‌ای از متخلفین از سال ۶۰ تاکنون بایگانی شده و به‌شماره‌های افراد ممنوع معامله به مدت یک سال دیرتر به دفاتر اسنادرسی ابلاغ گردیده که موجب انجام صدها فقره معامله غیرقانونی شده است که متأسفانه پرونده‌ها در بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات طبق این مدارک موجود است و خاک می‌خورد... در بنیاد مستضعفان شهرستان خوی نیز... دهها میلیون ریال سوءاستفاده شده که متأسفانه باندبازیهایی موجب گردیده پرونده شاکلی مدت یک سال و نیم در خوی و تهران بایگانی شود." (کیهان-۲۹ دی)

تقاضای یک استاد دانشگاه

وزیر فرهنگ و آموزش عالی:

"یک استادی برای من نوشته است تمام این حقوقی که شما به من می‌دهید من آنرا عیناً به شما پس می‌دهم و چیزی برای خرج زندگی‌ام نمی‌خواهم شادر این شهر بیایید و اوراق به من بدهید که بتوانم زندگی کنم و شب مطالعه نمایم و روز درس بدهم." (کیهان-۲۶ دی)

روشهای تربیتی مدارس ج.ا.

اولیای دانش آموزان:

"شاگردان هنرستان شهید سروندی در زندگی‌های تفریح مجبور بودند مانند زندانیان فیلم بازداشتگاه کلویستس، در یک نقطه از حیاط ساکت و بی‌حرکت بایستند و از هر گوشه بازی و جست و خیز خودداری کنند. تا این که چندی پیش فیلم دیگری از تلویزیون پخش شد و نشان داد زندانیان برای تنبیه، زندانیان را کلاغ پسر می‌برد. یعنی زندانیان باید روی پا نشسته و در حالی که دست‌هایشان پشت گردن قلاب شده است، مانند گنجشک مسافتی را بپروند.

از روز بعد از نمایش این فیلم، هر یک از دانش آموزان هنرستان شهید سروندی که دیر به مدرسه برسند و یا خلافی انجام دهند باید با همین روش، دور حیاط را کلاغ‌پس کنند." (کیهان-۱۷ دی)

در حاشیه

جنگ

نجات مستضعفان از عالم نیستی است!

ملاحسنی امام جمعه ارومیه:

"همانطور که می‌دانید جنگ در راس مسائل است و این جنگ برای ما طبیعی است و ما باید با این حرکت‌مان که بر اساس تقوی است، مستضعفان و محرومین عالم را از غرق شدن در عالم نیستی نجات دهیم." (جمهوری اسلامی-۱ بهمن)

خط و خطوط بازی

یک نماینده مجلس:

"بنده به تمام مسئولین هشدار می‌دهم که از خطوط بازی دست بردارید و بیش از این به خود بیندیشید که اگر هوی کنار رود، باید خواسته تمام افراد به یک خط منتهی شود. بدانید که وجود خطوط مختلف، عده‌ای از فرصت‌طلبان خائن و حیله‌گر را مجال می‌دهد که به هر حیل و نیرنگ خود را به یک طرف خط متصل کنند و در زیر پوشش آن خط‌ناخوانی یا نادرستی خود را پنهان نمایند. لذا وقتی به یک مقام مسئولی درباره عدم لیاقت فردی تذکر داده می‌شود، درباره آن فرد نالایق هیچ اقدامی نمی‌شود و در بعضی موارد هم مشاهده می‌شود یک فرد خائن را به شهر دیگر انتقال داده یا احياناً ترفیع مقام هم خواهد گرفت." (جمهوری اسلامی-۲ بهمن)

اشکال کجاست؟

مشکینی رئیس مجلس خبرگان:

"چه شده است که ما پس از گذشت ۵۶ سال از پیروزی انقلابمان باید گندم و برنج را از خارج تهیه کنیم. این برای ما ننگ است که ناسمان را باید از کشورهای دیگر بیاوریم و این در حالی است که هم از قدرت بازو و هم از آب و خاک کافی برخورداریم. پس چرا چنین هستیم. آیا مجلس ماقدرت دادن طرح و نقشه را ندارد و یا آنها طرح ریزی کردند و به دولت دادند ولی دولت قدرت اجرا ندارد. مجلس‌مان را به‌حمدالله می‌پسندیم زیرا نمایندگانش را خودمان تعیین کردیم و انشاءالله خیانت نمی‌کنند. دولت‌مان هم که دولتی خیانتکار نیست... پس اشکال کجاست؟" (کیهان-۱۵ دی)

وقتی ما زنده‌ان چنین باشد

وای به حال یزد و کرمان و بلوچستان!

یک نماینده مجلس:

"در منطقه‌ای که بنده زندگی می‌کنم، با آن که یک منطقه کشتا و ریزی است، نه تنها اقدام موثری برای توسعه کشاورزی برداشته نشد، بلکه طوری عمل شد که اگر ادامه پیدا کند به سقوط کشاورزی منتهی خواهد شد... در آینده نزدیک برنج ما زنده‌ان هم باید از تایلند، پاکستان و غیره وارد شود." (جمهوری اسلامی-۲ بهمن)

شرط دادن لاستیک به کامیونها رفتن به جبهه است

از این پس کامیونها باید سهمیه لاستیک خود را از ستاد پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی تحویل گیرند. این ستاد با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن اعلام این مطلب تاکید کرده است که شرط دادن لاستیک به کامیونها، آن است که حداقل ۱۵ روز در سال در جبهه به کار گذاشته شوند.

قبلاً نیز دولت برای دادن لاستیک چنین شرطی را گذاشته بود و اکنون با سپردن همه موجودی لاستیک به دست ستاد پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی، تلاش می‌شود که هیچ مفری برای خودداری از رفتن به جبهه برای صاحبان کامیونها باقی گذاشته نشود. رانندگان به شدت نسبت به این تصمیم اعتراض دارند. آنها تاکنون بارها نسبت به این قبیل تصمیمات به صورت متشکل اعتراض نموده‌اند. اطلاعیه جدید ستاد پشتیبانی جنگ به حرکت اعتراضی رانندگان کامیونها، دامنه وسیعتری خواهد داد.

شاخص بهای عمده فروشی کالاها در آذرماه سال جاری

شاخص بهای عمده فروشی کالاها در ایران، در آذرماه سال جاری از سوی اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی، اعلام شد. ارقام رسی با اینکه از رقم واقعی افزایش قیمت‌ها بسیار کمتر است اما گوشه‌هایی از واقعیات را تصویر می‌کند.

بر اساس گزارش منتشره شاخص بهای عمده فروشی کالاها در آذرماه ۱۳۶۲، با عدد ۲۸۴/۴ نسبت به ماه قبل ۱/۷ درصد بالا رفت. این شاخص نسبت به ماه مشابه سال قبل ۷/۲ درصد افزایش نشان می‌دهد. بر طبق همین گزارش، طی نه ماه اول سال جاری، شاخص بهای عمده فروشی کالاها در ایران، بطور متوسط ۷/۵ درصد نسبت به دوره مشابه سال قبل افزایش یافته است.

هیچ چشم انداز روشنی برای از سرگیری مسابقات فوتبال وجود ندارد

به دنبال دو حرکت اعتراضی گسترده در ورزشگاه امجدیه، اکنون بیش از سه ماه است که برگزاری مسابقات فوتبال در تهران و برخی از شهرستانها متوقف شده است. در اواخر ماه گذشته رئیس هیات فوتبال تهران اعلام نمود که "برای راه‌اندازی مسابقات باشگاههای تهران، حداقل هماهنگی هفت ارکان (که طبیعتاً در راس آنها وزارت اطلاعات و نیروهای انتظامی قرار دارند) لازم است." معنای این سخن آن است که هیچ چشم انداز روشنی برای از سرگیری مسابقات فوتبال وجود ندارد. رئیس هیات فوتبال با تاکید بر روی مساله هماهنگی هفت ارکان "تلویحاً خواستار آن است که به خاطر تعویق مسابقات، این هیات مقصر قلمداد نشود. واقعیت هم این است که اجازه از سرگیری مسابقات باید از سوی وزارت اطلاعات صادر شود نه نهادهای ورزشی.

۱۹ بهمن، سالگشت اعلام موجودیت فدائیان خلق

حماسه پویندگی

بود که از این خیل دلاوران ۵۲ نفر به خاک و خون در غلطیدند. اسکندر صادقی نژاد، کارگر، عضو سندیکای فلزکار مکانیک. چنگیز قبادی: پزشک. بهروز دهقانی: نویسنده و پار همز صمد بهرنگی. ... در میان شهیدان تقریباً همه سازمانگران اصلی این تشکیلات جوان نیز جای داشتند، مسعود احمدزاده، پرویز پویان، عباس مفتاحی و ... لشکری از دلیران بودند که به ستم کشته می شدند. اما آن شعله ای که از قلب گرمشان برخاسته بود فروزانتر می شد. نبرد با دشمنان بهر روزی مردم ادامه یافت.

حتی لحظه ای از شدت سرکوب رژیم سفاک پهلوی کاسته نشد، صفحات خونین تازه ای بر دفتر کار فدائیان نوشته می شد.

سال (۵)، محمد صفاری آشتیانی: از بازماندگان گروه جزئی. در دستگیری های سال ۴۶ ساواک نتوانسته بود به او دست یابد. صفاری نیز مانند صفایی به فلسطین رفته بود و در سال ۴۹ به میهن بازگشت. پس از ضربات سال ۴۹ نقش ستایش انگیزی در احیاء گروه ایفا نمود. تا بالاخره در تابستان ۵۱ آتش و ارجان خود برتیر کرد.

دیکر فدائیان نام آور شده بودند. آن عشق آتشی که در دلشان موج زد چنان قهرمانی هایی را موجب می شد که ستایش همگان را بر می انگیزد. احمد زبیرم، وقتی که در تابستان ۵۱ در تورساواک گرفتار آمد با چنان سرسختی در برابر انبوه نفرات تا دندان مسلح دشمن به مقابله برخاست که موجی از همبستگی و همدردی در میان ساکنین محل درگیری - در جنوب شهر تهران - برپا کرد و خاطره آن پایدار ماند.

از کدامان باید سخن گفت؟ آن کارگر جوان یوسف زرکاری؟ و یا آن کارگر پر سابقه، حسن نوروزی؟ نوروزی همواره کارگر بود. از همان کودکی کار کرد و ستم کشید تا بالاخره جای خود را در کنار رفیقان فدایی باز یافت. او را در سال ۵۲ در سرزمین

غفور حسن پور اصل: فارغ التحصیل پلی تکنیک تهران، عضو برجسته جنبش دانشجویی در نیمه اول دهه چهل. او در سازماندهی گروه جزئی پس از ضربه سال ۴۶ نقش مهمی ایفا کرد و کمی قبل از آغاز عملیات سیاهکل بازداشت شده بود.

جلیل انفرادی: کارگر، عضو فعال سندیکای فلزکار مکانیک
شعاع الله مشیدی: مهندس برق، سازمانتر مبارزات دانشجویی دهه چهل

.....
.....

رژیم با دست زدن به کشتار این دلیرانی که سرشار از عشق به مردم بودند، آرزو می کرد جنبش فدائی را در نطفه خفه کند، اما هیچ چیز پایان نیافته بود. در همان بدو کار، اعلام حضور دلاورانه فدائیان خلق در جنبش انقلابی مردم ما، بازتاب گسترده ای در میان نیروهای انقلابی و مترقی و جنبش اعتراضی علیه دیکتاتوری رژیم سرسپرده شاه برجای گذاشت. جنبش دانشجویی که در آن سالها با نیرومندی با رژیم اختناق رویارویی می کرد، قبل از همه به روی فدائیان خلق آغوش گشود.

ساواک تشیقات تازه ای را برای بازداشتن این نهال تازه با از عروج بسوی نور آغاز کرد و همه نیرویش را بکار گرفت تا مگر که این جان برکفان ایثارگر را از رفتن بازدارد. اما فدائیان خلق راه نبرد تا به آخر، تا آخرین نفس را در پیش گرفته بودند. کسی را سر باز ایستادن نبود. چه اختراعی بر خاک افتادند! هنوز از ۲۶ اسفند ۴۹ یک سال نگذشته

باقیه از صفحه اول

از چند هفته در صبحگاه ۲۶ اسفند ۱۵ فدائی دلیر را در میدان تیر چیتگر به جوخه اعدام سپردند. نوروز هنوز فرا نرسیده بود که روزنامه ها خبر این جنایت رژیم را همراه نام شهیدان اعلام کردند.

علی اکبر صفائی فرامانی

غفور حسن پور اصل

جلیل انفرادی

شعاع الله مشیدی

احمد فرهودی

مادی بنده خدا لنگرودی

اسکندر روحیمی مسیحی

اسماعیل معینی عراقی

هوشنگ نیری

مادی فاضلی

عباس دانش بهزادی

ناصر سیف دلیل صفایی

محمد علی محدث قندچی

علی اکبر صفائی فرامانی، فرمانده نیروهای فدائی در جنتلهای کیلان بود. او که بازمانده ای از گروه جزئی بود در سال ۴۶ توانسته بود نفرات گروه پیتر ساواک را ناکام گذارد. پس از آن تا چند سالی «یار» را. در صفوف رزمندگان فلسطینی ادامه داد و پس از سال ۴۹ به میهن و به میان گروه بازگشت.

مراسم پرشکوه گرامیداشت ۱۹ بهمن "در تهران در نخستین سال پس از پیروزی انقلاب"



انقلاب منجر شد بلکه در سازمانت‌ری قیام مستقیماً حضور داشتند. فدائیان بسیاری در پیشاپیش مردم در یورش به دژهای دشمن به خون درغلیدند که رفیق قاسم سیادت، عضو کمیته مرکزی، از جمله آنان بود.

وقتی که میهن ما از لوث وجود رژیم ننگین شاه پاک شد، دور تازه مبارزه فدائیان در پاسداری از انقلاب - این ثمره گرانقدر مبارزه درازمدت مردم - آغاز شد. انقلاب نوپا را خطرات بسیاری از درون و بیرون تهدید می‌کرد. عرصه‌های بکلی نوینی برای انجام وظایف انقلابی گشوده شد. به وظایف درنگ ناپذیری می‌بایست پاسخ داده می‌شد. سازمان در حالیکه این بار نیرو و توانش از هر زمان دیگری افزون‌تر بود و نیز در حالیکه از هر سو از جانب آبادی امپریالیسم و ارتجاع تحت یورش قرار داشت، به ایفای وظایفی پرداخت که انقلاب برعهده‌اش گذاشته بود.

به هنگامیکه تمامی پهنه میهن را خروش انقلاب در می‌نوردید، فدائیان خلق در پیوند همواره گسترش یابنده با مردم، سیر فرازمند خود را شتاب می‌بخشیدند، تا بدانجا که توانستند در کنار حزب توده ایران، با شایستگی به ایفای وظایفی بپردازند که به مثابه گردان پیشاهنگ طبقه کارگر برعهده داشتند و به عنوان بخشی از جنبش جهانی کمونیستی، انترناسیونالیسم پرولتری را پاس دادند. این شهد تیزبینی است که ثمره گرانقدر همه آن سالها نبرد بی‌امان در راه بهروزی و سعادت مردم و استقلال و آزادی میهن می‌باشد.

اکنون فدائیان خلق، برخوردار از زلای اندیشه طبقه کارگر، مصمم‌تر از همیشه در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی نبرد می‌کنند، تا سیطره مرتجعین سیاه‌کار زودوده و بندهای هرگونه وابستگی به امپریالیسم از هم دریده شود. بی‌گمان نتیجه این نبرد با پیروزی مردم رقم زده خواهد شد.

کرد و تا زمان شهادت، همواره در هیئت رهبری سازمان ما جای داشت، با تیز هوشی و قاطعیت، بارها بار توره‌های پلیس و ساواک را از هم درید. اما بالاخره سازمان ما در سال ۵۵ او را از دست داد. نه فقط او که بیش از ۶۰ فدائی دیگر در این سال کشته شدند که تقریباً همه اعضا، رهبری سازمان نیز در میانشان بودند.

تلخ کامی‌های ناشی از مصیبت‌های بزرگ با دستاوردهای نظری پرارزشی جبران می‌شود. نتیجه مباحثاتی که تا این زمان در سلولهای سازمانی و در سطح جنبش پیش رفت به نتایج والایی انجامید، بگونه‌ای که سازمان را آماده ایفای نقشی شایسته در مبارزات روبه گسترش مردم ساخته بود.

سال ۵۷ سازمان پرافتخار ما - برخاسته از خون و آتش - بگونه‌ای قدرتمند در مبارزه مردم و در هدایت آن به ست انقلاب تاثیر می‌گذازد. عملکرد سازمان در این سال، یکی از صفحات غرورانگیز حیات سازمان تا آن زمان به حساب می‌آید. جنبش فدائیان خلق چنان حضور نیرومندی در رویدادهای شکوهمند آن سال دارد که نام فدائی را با قیام و انقلاب مترادف کرده است، چنان که همه تشبثات بعدی مرتجعین برای زیر سایه کشاندن نقش سازمان، خطی بود که برآب کشیده می‌شد. فدائیان خلق نه تنها در زمینه سازی رویدادهایی که به

زیباترین چهره‌های جنبش فدائی، رهبر و دوست
پر شورترین شغل، رهبر و دوست
عشق تو در جگانه جهانم جاریست
زیباتر هر آنچه در جگانه من و دوست

لرستان کشتند. در سر لوحه شهیدان سال ۵۲ نام سه زن فدائی نقش بسته است: مرضیه احمدی اسکویی، شیرین فضیلت کلام، مریم شاهی. آنها پیوندگان راه ستیز زنان دریا دلی بودند که در جنبش فدائی جانی برجسته را به خود اختصاص داده‌اند.

مبارزه در این معرکه خون و آتش خود به مانند حماسه بود. اما حماسه سازمان پویندگی آن بود. سالی نمی‌گذشت که در آن درس تازه‌ای آموخته نشود. بدینگونه اندیشه جلای یافت و فدائیان قدرتمندتر می‌شدند. از تجاربی که آن همه گران به دست می‌آمد، برای هموارتر کردن راه پیوند با کارگران و زحمتکشان بهره گرفته می‌شد.

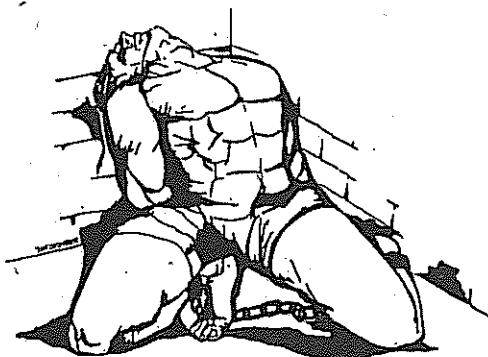
اگر بر اعلامیه‌های سازمان در سال ۵۲ مروری شود، دیده می‌شود که توجه و تاکید بر جنبش کارگری هر بار بیشتر می‌گردد. بدین گونه گوهر عشق به زحمتکشان، درخشش بیشتری می‌یابد.

در جمع بندی تجارب حاصله، سهم آن فدائیی که در سیاهچالهای رژیم شاه به بند کشیده شده بودند، ذقیقت است. نتایج این جمع بندی‌ها، در بیرون از زندان سلاح پیکار فدائیان را برنده‌تر می‌کند. رفیق بیژن جزنی در این میان نقش بی‌بدیلی ایفا می‌کرد. از همین رو از سوی رژیم حکم مرگ او صادر می‌شود. سال ۵۴، این گونه آغاز شده بود. بیژن و همزمانش را در همان زندان گلوله باران کردند. سال تلخی آغاز شده بود و همانگونه به تلخی ادامه یافت. آن سال رژیم بیش از چهل فدائی خلق را به شهادت رسانید. سفاکی غریبی بود. پاکترین فرزندان مردم را یکی پس از دیگری در خانه، خیابان و یا زندان به خون می‌کشیدند. اما هنوز روزهای مولناک‌تری در پیش بود. سال ۵۵ فرا رسید. این بار تویت حمید اشرف بود.

حمید نیز از بازماندگان گروه بیژن بود. در ترمیم ضربات پس از عملیات سیاهکل و در انجام وحدت تشکیلاتی دو گروه فدائی، نقش عمده ای ایفا



مجموعه گزارشهای از زندانهای تهران (۵)



ورزش کردن حساس هستند.

اتاقها تهویه نمی‌شوند. بعضی اتاقها در طول روز مجازند که در را به اندازه یک دمپایی باز بگذارند، بعضی از اتاقها از این امکان نیز محرومند. باریکه‌ای نور هم تنها از پنجره‌ای که قسمت اعظم آن را پوشانده‌اند به داخل اتاق وارد می‌شود.

دستشویی و نظافت :

همه کارهای نظافتی انفرادی و جمعی در سه نوبت بیست دقیقه‌ای صورت می‌گیرد. در این مدت کوتاه باید حدود ۴۰ نفر زندانی بتوانند با استفاده از ۶ توالت، ۶ دستشویی و دو یا سه عدد دوش، ظرف بشویند، توالت بروند، حمام کنند، مسواک بزنند و لباسهایشان را نیز بشویند.

در خارج از نوبت‌های مقرر به ندرت به افراد اجازه استفاده از توالت را می‌دهند و زندانیان را مجبور به استفاده از ظرفی می‌کنند که در داخل اتاقها قرار داده‌اند.

بهداشت و درمان :

کمتر کسی را می‌توان در اوین یافت که به دلیل عوارض شکنجه، سوءتغذیه، عوامل روحی و ... بیمار نباشد. اخیراً به طور ظاهری ظرفیت پذیرش بیمار بهداری را افزایش داده‌اند. هفته‌ای حد اکثر چهار نفر از هر اتاق می‌توانند به بهداری مراجعه کنند ولی دست کم دو نفر از این چهار نفر را به بهانه تمارض بدون رسیدگی عودت می‌دهند.

کتاب و روزنامه

تنی از میان کتابهای باب طبع جمهوری اسلامی همه آنها را در اختیار زندانیان نمی‌گذارند. کتابها از سوی زندانیان تحریم شده‌اند ولی روزنامه‌ها خواننده زیادی دارند. مسئولین، روزنامه‌ها را نیز سانسور می‌کنند. بعضی‌یک شماره از یک روزنامه و یا صفحاتی از آن توقیف می‌شود.

نمودند. فشار روحی بر پناهندگان به حدی است که تا کنون دو نفر از ایرانیان دست به خودکشی زده‌اند. در ۲۱ نوامبر تعدادی از پناهندگان کمپ‌های مختلف را به کمپ جدیدی منتقل ساختند که سابق بر این آسایشگاه معلولین بوده و توسط شهرداری غیرقابل سکونت تشخیص داده شده بود! پناهندگان را بدون کمترین دلیلی جابجا و یا از کمپ اخراج می‌کنند. مدتی است که پناهندگان ساکن کمپ‌هاک از امکان فراگیری زبان محروم شده و ولی بخشنامه‌ای از ثبت نام "تازه‌واردها" خودداری می‌کنند.

دولت دانمارک سیاست پراکنده ساختن پناهندگان را در دهات و شهرهای کوچک دنبال کرده و این سیاست در مورد ایرانیان بطور فعالتری اعمال می‌گردد. به موازات چنین تضییقاتی، رئیس هیئت قضائی مجلس دانمارک، خواستار تشکیل کمیته‌ای برای بررسی نحوه خروج و ورود ایرانیان به دانمارک شده است. او هزینه هنگفتی را که ایرانیان برای خروج از کشور و ورود به دانمارک متحمل می‌شوند را دلیلی بر عدم اصلات پناهندگی آنان دانسته است!

اخیراً بازار تبلیغات در جرائد و دیگر وسائل

وضعیت صنفی زندانیان اوین

آخرین گزارشی که در مورد زندان اوین دریافت کرده‌ایم، وضعیت صنفی زندانیان را در این اسارتگاه، این چنین توصیف می‌کند:

"وضع غذا:

کیفیت غذا در اوین فوق‌العاده پایین است. کمیت غذای نیز آنقدر کم است که همگی در حال گرسنگی دائم بسر می‌برند. نهار معمولاً آبگوشت (بدون ذره‌ای گوشت) و یا کمی برنج با پدیده‌ای که به خورشت موسوم است، و هفته‌ای یکبار آش رشته می‌دهند. هر کس در میان این غذاها بتواند ذره‌ای گوشت پیدا کند، انگشتش نشان بقیه می‌شود. شبها هفته‌ای سه بار کره و حلواشکری می‌دهند به گونه‌ای که به هر نفر ۲۰ گرم حلوا و ۲۰ گرم کره می‌رسد. بقیه شبها شام معمولاً نان و پنیر است و در مواردی در فصل تابستان خربزه. زندانیان مجبورند از طریق خرید اجناس فروشگاه‌ها تا میزان محدودی از کمبود ویتامین بپاکنند. خرید از فروشگاه که بنجل‌ترین اجناس را می‌آورد کار شاقی است و محدودیتهای زیادی دارد. تا کسی از نظر مسئولین خطایی مرتکب شود، از حق خرید محروم می‌گردد. جالب است بدانند که اکثر مواد مصرفی در اوین را سران بازار که لاچوردی را سرور خود می‌نامند، تامین می‌کنند. مثلاً یکی از تجار معروف بازار تهران به نام "مبصری" پودر لباسشویی می‌دهد، دیگران پارچه و دمپایی و ظرف و مواد غذایی و چیزهای دیگر.

مواخوری و ورزش :

بعضی اتاقها اصلاً اجازه مواخوری ندارند. ساعات مواخوری بقیه نیز محدود است. زندانیان برای این که از فرسودگی خویش جلوگیری کنند و روحیه خود را بالا نگه‌دارند، در زمانهای مختلف، صبح و ظهر و عصر، به نوبت در اتاق ورزش می‌کنند. مسئولین زندان به شدت نسبت به

فشار بر پناهندگان سیاسی شدت می‌گیرد اعتراضات گسترش می‌یابد

قبیل رشد بیکاری کشور به میزان ۵۰۰/۰۰۰ نفر و کاهش سطح خدمات اجتماعی را بگردن پناهندگان انداخته و آنها را مسئول و خامت اقتصادی کشور معرفی کند. از سوی دیگر عده‌ای از مسئولین دولتی و متنفذین غیر دولتی دست اندر کارند تا قانون جدید خارجیان مصوبه ژانویه ۱۹۸۴ را تغییر داده و حتی فشارمائی بر خارجیانی که سالهای سال در دانمارک زندگی می‌کنند، نیز اعمال نمایند.

فشارها و تضییقات دولت دانمارک بر پناهندگان و بویژه ایرانیان در ماههای اخیر شدت یافته است. در تاریخ ۱۵ نوامبر، ۱۲۰ تن از پناهندگان را به جزیره کوچکی فرستادند. در این جزیره، قلعه‌ای بسیار قدیمی را که فاقد امکانات رفاهی لازم است، بعنوان کمپ به پناهندگان واگذار کردند. حتی تماس با ساکنین بومی جزیره، از پناهندگان سلب شده و از آن گذشته، خبرنگار روزنامه پولیتیکن را که به قصد مصاحبه به جزیره آمده بود، برای مدت سه ساعت و نیم بازداشت

در هر اتاقی یک تلویزیون گذاشته‌اند که علاوه بر برنامه‌های کانال اوین (۱) می‌توان از برنامه‌های عادی نیز استفاده کرد. ولی اگر زندانیان مثلاً فیلم سینمایی یک کانال را بر سفره‌ای کانال دیگر ترجیح دهند، توبیخ می‌شوند.

نحوه مکاتبه با خانواده

زندانها ممنوع الملاقات حق مکاتبه هم ندارند. اما بقیه - به شرط این که مرتکب "خلافی" نشده باشند - بر حسب ظاهر می‌توانند با خانواده خود، ماهی یک بار مکاتبه کنند. برای مکاتبه فرم مخصوصی داده می‌شود که تنها به اندازه ۷ سطر می‌توان در آن نامه نوشت. جواب نامه نیز باید در پشت همین فرم نوشته شود. پشت و روی این فرم که اندازه واقعی آن ۱۲/۵ × ۱۸/۵ سانتی متر است، در زیر کلیشه شده است :

باسلام نام: _____ تلفن: _____ آدرس: _____ مهر: _____	باسلام نام: _____ تلفن: _____ آدرس: _____ مهر: _____
---	---

(ادامه دارد)

ارتباط جمعی علیه پناهندگان رونق دارد. همه روزه مقالاتی درباره "مشکل لاینحل پناهندگان"، "بودجه کم‌رشدن سازمان پناهندگان"، "کنترل بیشتر مرزهای دانمارک" و غیره منتشر می‌شود. چندی پیش فیلمی از اوضاع ایران به گونه‌ای شدیداً تحریف شده از تلویزیون دانمارک پخش شد. در این فیلم کمترین اشاره‌ای به اوضاع سیاسی و اقتصادی جاری مملکت نشده بود. مخالفت شدید ایرانیان بویژه "انجمن ایرانیان در دانمارک" نسبت به نمایش چنین گزارشهایی، در پاره‌ای از جراید کشور درج شد. اما مقامات بدون توجه به این اعتراضات، اقدام به پخش مصاحبه با یک تاجر فرش فروش طرفدار رژیم از تلویزیون نمودند. مضمون مصاحبه چنین بود که پناهندگان اصلاً دلیلی برای خروج از ایران ندارند و محرک آنها بیشتر مسائل اقتصادی است.

تمام این تضییقات در شرایطی صورت می‌گیرد که بودجه سازمان پناهندگان از ۱۰ میلیون به ۲۰۰ میلیون کرون افزایش یافته است. بهر حال مخالفت پناهندگان و بویژه اعتراضات "انجمن ایرانیان در دانمارک" کم‌اکنون ادامه دارد. این اعتراضات در جراید دانمارک بازتاب می‌یابد.



کارگران کارخانه سازی باختران در پی اعتصابی دلیرانه انجمن اسلامی را منحل کردند

کارخانه سازی باختران یکی از پنج کارخانه سازی ایران است که از محل کمک‌های اتحاد شوروی و توسط کارشناسان این کشور راه اندازی شده است. قطعات پیش ساخته این کارخانه دارای قدرت مقاومت در برابر زلزله‌هایی تا شدت ۹ درجه ریشتر می‌باشد.

با اینکه مردم کشور ما از کمبود حاد مسکن رنج می‌برند، این کارخانجات بسیار کمتر از ظرفیت، تولید می‌کنند. مسئولیت این وضع هم تماماً برعهده مقامات دولتی و مسئولین صنایع کشور است که با خرابکاریهای عمدی و یا سوءمدیریت و درپیش گرفتن لگام گسیخته‌ترین روشهای کارگر ستیزانه، روند تولید را در صنایع کشور و از جمله در صنایع خانه سازی، مختل کرده‌اند.

در برابر اجحافات مدیران دولتی، کارگران کارخانه سازی باختران، در تمام مدت این چند سال اخیر، مبارزات پیگیری را پیش برده‌اند. خواستهای مبرم کارگران، افزایش دستمزد، طبقه‌بندی مشاغل، انحلال انجمن اسلامی و عزل مدیر عامل مرتجع کارخانه بود. پیگیری کارگران در مبارزه باعث گردید که حدود چهارماه قبل مدیر عامل برکنار شود. با وجود این پیروزی، مبارزه کارگران برای دستیابی به دیگر مطالبات ادامه یافت و بالاخره موفق شدند، مسئولین را به انحلال انجمن اسلامی وادارند. انحلال این انجمن که به مثابه خیرچین ارگانهای امنیتی و انتظامی عمل می‌کرد، موجی از شادی در میان کارگران و کارمندان برپا کرد.

در پی این پیروزی کارگران، همه مقامات و محافل مرتجع استان به دست و پا افتاده و تشیقاتی را برای غلبه بر کارگران آغاز نمودند. آیت الله زرنی، انجمن حجتیه، باند های سیاه، سپاه پاسداران و... به مقابله با کارگران برخاستند. آنها علاوه بر عزل کسانی از سرپرستی - که خواسته‌های برخی کارگران را تایید می‌کردند - عده ای از کارگران را دستگیر و زندانی کردند.

کارگران در واکنش به این اقدام، دست از کار کشیده و در محل کارخانه متحصن شدند. کارگران هم چنین نمایندگان خود را برای طرح و پیگیری شکایت به نزد مقامات محلی از قبیل استاندار و امام جمعه فرستادند. مسئولین بی آنکه به این شکایات توجهی نشان دهند، دستور زندانی کردن نمایندگان کارگران را صادر نمودند. در پی آن کارگران عزم خود را برای ادامه مبارزه تا پیروزی جزم کرده و با یکپارچگی اعتصاب را پی گرفتند. مسئولین با این گمان که خواهند توانست با سرکوب، کارگران را به تسلیم وادار سازند، واحدهای سپاه پاسداران را به کارخانه اعزام کردند. نفرات سپاه پاسداران پس از

ورود به کارخانه به جمع کارگران متحصن حمله برده و وحشیانه به ضرب و شتم آنان پرداختند. کارگران نیز در برابر این سرکوبگری سبانه، به مقاومت برخاسته و درگیری سختی ایجاد گردید که در نتیجه آن چندین نفر از طرفین مجروح شدند. مقاومت دسته جمعی کارگران سبب گردید که تهاجم سرکوبگرانه پاسداران به شکست کشیده شود. در برابر پایداری کارگران، سپاه پاسداران ناگزیر به عقب نشینی از کارخانه شد.

کارگران در پی این پیروزی با استواری هرچه بیشتر برخواست خود مبنی بر انحلال انجمن اسلامی، آزادی زندانیان و بازگشت به کار مدیران برکنار شده پای فشردند و بالاخره پس از چند روز توانستند به این خواسته‌ها دست یافته از شر انجمن اسلامی منغوررهای پابند.

مجازات جمعی روستائیان به خاطر عدم شرکت در انتخابات

دهکده برازین از توابع شهرستان هریس در استان آذربایجان است. در این روستا سدی خاکی وجود دارد که بخشی از آب مورد نیاز کشتزارهای روستا را تامین می‌کند. هر ساله در موعد معینی، دهقانان از آب این سد بهره‌برداری می‌کردند. امسال هنگامی که در آغاز تابستان، روستائیان برای بهره‌برداری از آب پشت این سد اقدام کردند، با مخالفت و منع اکید مسئولین محلی روبرو گردیدند. روستائیان که نمی‌توانستند مزایای محصولات را بدون آبیاری به امان خدا رها کنند، تصمیم گرفتند بهر قیمتی که شده از آب سد بهره‌برداری کنند. به همین منظور به طور دسته جمعی به محل سد رفتند. در برابر آنان مقامات محلی که از پیش خود را آماده کرده بودند به مقابله برخاستند. امام جمعه، بخشدار و رئیس دادگاه هریس، در معیت نفرات سپاه پاسداران و ژاندارمری پیش از دهقانان، در محل سد حاضر شده بودند. آنها با نشان دادن تفنگهای پاسداران و ژاندارم‌ها به دهقانان اخطار کردند که از نزدیک شدن به سد خودداری کنند. البته آنها هیچگونه دلیلی هم به عنوان مبنای این زورگویی غیرقابل تحمل ارائه نکردند اما روستائیان برازین می‌دانستند که انگیزه مقامات محلی در اتخاذ این تصمیم عجیب، آن است که در انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی، تنها قلیلی از ساکنین این روستا شرکت نموده بودند و غالب این شرکت کنندگان نیز آرا باطله در صندوق ریخته بودند. اکنون مقامات منطقه بر آن بودند تا با خشکاندن کشتزارهای روستائیان، از آنان بخاطر عدم شرکت در انتخابات انتقام بگیرند.

علیرغم تهدیدات مسئولین و برق سر نیزه نفرات ارگانهای سرکوبنده دهقانان به منظور بازگشایی کانالهای آبیاری، به سوی سد پیش رفتند. امام جمعه به پاسداران و ژاندارم‌ها فرمان حمله داد و به آنها هجوم آورده و وحشیانه دهقانان را مورد ضرب و شتم قرار دادند و سپس قریب به ۵۰ تن از آنان را دستگیر و به مقر سپاه پاسداران هریس منتقل کردند. در این محل نیز یکبار دیگر به جان دستگیر شدگان افتاده و چنان آنان را شکنجه کردند که همه به شدت مضروب و مجروح شدند. پس از این اعمال سبانه، حدود چهل تن از

روستائیان بازداشت شده را به زندان منتقل ساختند. زندانیان بیش از یک ماه یعنی تا پایان فصل برداشت محصول، در زندان باقی ماندند. پس از آن در پی اقدامات و شکایات دیگر روستائیان، به قید ضمانت آزاد شدند.

مصادره املاک روستائیان فئودال حرام است!

در اردبیل از زمان‌های دور، دو فرقه مذهبی وجود داشتند که حیدری و نعمتی نامیده می‌شدند. هر از چندگاه به تحریک سرکردگان این دو فرقه، زد و خوردهای سنگینی میان پیروان آنها رخ می‌داد. این جنگها که در جهت امیال مرتجعین دامن زده می‌شد، چنان بی‌معنی بود که در مثل جنگ حیدری - نعمتی مترادف با پیروگری شده است.

سرگردگی فرقه حیدری در دست خانواده انواری قرار داشت که با در اختیار داشتن هزاران هکتار زمین و نیز تولیت مسجد جامع شهر از قدرت و نفوذ قابل توجهی برخوردار بودند. آنها مسئول مستقیم کشتگان بسیاری هستند که بر اثر این جنگها به بار آمده بود. تا چند سال پیش سید تقی انواری ریاست فرقه حیدری را برعهده داشت که به "عمصا به دست شاه" مشهور بود. گویا شاهان دودمان منغور پهلوی به او عصا هدیه کرده بودند. این شخص از مهره‌های برجسته رژیم پیشین در منطقه به شمار می‌آمد. پس از مرگش مقام و موقعیت مذهبی و سیاسی او به ارث به فرزندش، سید فایق انواری رسید. رهبر تازه فرقه حیدری با اینکه بسیار جوان بود و معمم هم نبود تولیت مسجد جامع شهر را برعهده گرفت و املاک وسیعی را در اختیار گرفت. اما چندان نگذاشته بود که انقلاب بر غارتگریهای خانواده انواری لگام زد. دهقانان اراضی آنان را مصادره کرده و خود به زیر کشت بردند.

در پی خیانت سردمداران جمهوری اسلامی به انقلاب، اقدامات سید فایق و دیگر اعضا خانواده انواری برای تصاحب دوباره اموال و املاک سابق آغاز شد. اخیراً آنها توانستند سه هزار هکتار از این اراضی را در روستای خشکه رود اردبیل بار دیگر به چنگ آورند. آنها که از حمایت موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور، صانعی دادستان کل کشور، مرجع امام جمعه اردبیل و اصلائی حاکم شرع برخوردار بودند، دهقانان مقاوم را به زندان انداختند. به حکم دادگاه، این دهقانان به یک تا سه سال زندان محکوم شدند. به دهقانان گفته شده بود که خانواده انواری روحانی و اولاد پیامبرند، مصادره املاک آنها حرام و خلاف شرع است!

آینده "نظام پزشکی" چه خواهد شد؟

گفته می‌شود رژیم جمهوری اسلامی در پی اقدامات قبلی بر آن شده است تا تشکیلات نظام پزشکی را منحل کرده و به جای آن چیزی به نام "نظام پزشکی اسلامی" را دایر کند. بنا به این طرح، اساسنامه تازه‌ای برای این واحد صنفی پزشکان در نظر گرفته شده است. دکتر ولایتی - وزیر امور خارجه - را برای ریاست هیئت مدیره تشکیلات جدید در نظر گرفته‌اند. در همین رابطه انتخابات هیئت مدیره نظام پزشکی که بنا بود در چهاردهم دی‌ماه صورت پذیرد به تعویق افتاده است.

پشتیبانی گسترده کارگران و نیروهای مترقی جهان از مردم ایران ادامه دارد

چهره رسوای جمهوری اسلامی را هیچ نقابی نمی‌تواند بپوشاند. فعالیت‌های افشاگرانه نیروهای مردمی و مترقی کشور مادر سراسر جهان چنان دستاوردهای گرانقدری به بار آورده است که با وجود تشبیهات مذبحخانه مرتجعین حاکم بر میهن ما و تبلیغات پر خرب نمایندگی‌های آن در خارج از کشور و علیرغم اینکه رسانه‌های امپریالیستی وسیعا به مخدوش ساختن حقایق امور پیرامون کشور، مشغولند، همبستگی نیروهای مترقی سراسر جهان از مبارزات مردم ایران هر روز بیشتر از پیش دامنه می‌گیرد.

در این میان فعالیت‌های پیکرو افشاگرانه فدائیان خلق سهم بسیار برجسته‌ای در بسیج افکار عمومی جهان علیه رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی ایفا می‌کنند. در صفحات نشریات "اکثریت" همواره گوشه‌هایی از اقدامات تبلیغی و افشاگرانه فدائیان خلق را در کشورهای اروپا، آسیا و آمریکا و همبستگی شورانگیز نیروهای مترقی و افکار عمومی جهان را با مبارزات مردم میهن ما منعکس می‌گردد. ادامه انتشار گزارش‌هایی از همبستگی بین‌المللی با مردم ایران، را در این شماره نیز پی می‌گیریم.

پشتیبانی بی دریغ کارگران جهان از مبارزات مردم ایران

کانادا

"کمیته برگزاری جشن اول ماه مه"، یک کمیته دائمی و متشکل از تعداد زیادی از سندیکاها و سازمان‌های کارگری کانادا است. در ادامه انتشار جهانی اخبار اعتصاب ذوب آهن اصفهان، اخیرا این کمیته با انتشار یک فراخوان و یک بولتن اطلاعاتی درباره اعتصاب این مجتمع، اعلام موضع پشتیبانی نموده است. در فراخوان این کمیته ضمن اشاره به وضعیت کارگران این مجتمع و افشای سیاست‌های سرکوب گرانه جمهوری اسلامی، چنین آمده است: "ما بولتن اطلاعاتی ضمیمه را برای همه سازمانهای مختلف کارگری و انسان دوست ارسال داشته، به امید اینکه با جلب حمایت مردم کانادا از کارگران ایران، به وتلیفه انترناسیونالیستی خود، پاسخ داده باشیم."

در بولتن اطلاعاتی کمیته، تصویری از وضعیت کارگران ایران و عراق در سالهای پس از جنگ ارائه شده و به سرکوب خشن مبارزات کارگری از سوی مقامات جمهوری اسلامی اشاره می‌شود. بولتن، وضع اقتصادی و نحوه زندگی کارگران در ایران را با تاکید بر تورم لبنان گسیخته، قدرت خرید کارگران، کار زنان و کودکان و تشکلهای کارگری مورد مذاکره قرار می‌دهد.

بولتن کمیته مذکور با افشای حاکمیت ترور و اختناق در ایران، و ضمن انعکاس اخبار مربوط به دستگیری و اعدام بسیاری از فعالین کارگری، از همه سازمانهای کارگری و نیروهای مترقی درخواست می‌نماید تا با ارسال تلگرام و نامه به مقامات دولتی ایران و با مراجعه مستقیم به سفارت ایران در کانادا، و همچنین در تماس با تلویزیون و رادیو و روزنامه‌ها، مخالفت و اعتراضات خود را نسبت به این سیاست‌های ضد انسانی اعلام دارند. بولتن در انتها، تاکید می‌کند که این حق مردم است که از حقایق مطلع شوند، خواه مردم ایران و خواه مردم جهان!

ایتالیا

"کنفدراسیون عمومی زحمتکشان ایتالیا" بزرگترین سندیکای کارگری ایتالیا است. از سوی رهبری این کنفدراسیون در منطقه ۵، که ده شهر ایتالیا

ایتالیا

در ادامه پشتیبانی جهانی از فراخوان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در دفاع از حقوق زندانیان سیاسی و مبارزه علیه ددمنشی‌های حکام جمهوری اسلامی، که گوشه‌هایی از آن در شماره‌های گذشته نشریه اکثریت درج شد، در شهر تورینوی ایتالیا، بیش از ۱۶ حزب و سازمان کمونیستی و کارگری و کمیته‌های مترقی و صلح دوست، با امضاء متن فراخوان کمیته مرکزی سازمان، حمایت گسترده خود را از مبارزات خلق ایران علیه ارتجاع حاکم اعلام داشته و نسبت به حاکمیت ترور و اختناق در ایران ابراز انزجار نمودند. برخی از این احزاب و سازمانها عبارتند از:

- ۱- حزب کمونیست ایتالیا-تورینو
- ۲- کمیسیون زنان حزب کمونیست ایتالیا-تورینو
- ۳- فدراسیون جوانان کمونیست ایتالیا-تورینو
- ۴- حزب کمونیست یونان-تورینو
- ۵- حزب کمونیست شیلی-تورینو
- ۶- حزب کمونیست لبنان-تورینو
- ۷- حزب متحده کارگران ایتالیا-تورینو
- ۸- دمکراسی پرولتاریا-تورینو
- ۹- هواداران جبهه خلق برای آزادی فلسطین-تورینو
- ۱۰- سندیکای FILM -تورینو
- ۱۱- سندیکای UIL -تورینو
- ۱۲- سندیکای CISL -تورینو
- ۱۳- انجمن ملی پارتیزانهای ایتالیا-تورینو
- ۱۴- انجمن مسیحی کارگران ایتالیا-تورینو
- ۱۵- کمیته صلح و خلع سلاح استان پدمونته
- ۱۶- انجمن همبستگی ایتالیا-لانیکارا-تورینو

انعکاس مبارزات مردم ایران در مطبوعات جهان

سوئیس

روزنامه "فورورس" ("به پیش") ارگان حزب کار سوئیس گزارش مبسوطی در مورد اعتصاب ذوب آهن اصفهان درج کرده است. این نشریه، به ابراز همبستگی کارگران سایر واحدهای تولیدی ایران با کارگران ذوب آهن اصفهان اشاره دارد.

لوکزامبورگ

اعتصاب بزرگ اصفهان طی مقاله‌ای مفصل در "تستایوتنگ قوم لتزبورگر فولک"، ارگان حزب کمونیست لوکزامبورگ، منعکس گردیده است. این نشریه می‌نویسد علیرغم کوشش گسترده رژیم برای جلوگیری از "درز کردن" اخبار مربوط به اعتصاب اصفهان به بیرون، این رویداد در داخل و خارج ایران انعکاس وسیعی یافت و ابراز همبستگی گروههای وسیعی از کارگران، احزاب و سازمانهای مترقی، سندیکاها و سایر محافل اجتماعی را برانگیخت.

کانادا

"کانادا تریبیون" ارگان حزب کمونیست کانادا در شماره ۲۱ ژانویه خود خبر مربوط به اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان را درج کرده و علت آنرا "اعتراض به واگذاری بخش‌های سود آور کارخانه به بخش خصوصی" بیان می‌دارد. ارگان

را در بر می‌گیرد، اعلامیه‌ای انتشار یافت که طی آن تمامی سازمانهای سندیکایی رشته‌های مختلف تولیدی زیر پوشش، در جهت دفاع و پشتیبانی همه جانبه از زندانیان سیاسی، و مبارزات مردم ایران، فراخوانده شدند. رفیق "گت تی" ضمن تاکید بر وتالیف انترناسیونالیستی، چنین اظهار نمود: "در سالی که گذشت چه از سوی رهبری و چه بدنه سازمان، در حمایت از مبارزه خلقهای شیلی، نیکاراگوئه و ایران، موضع گیریهای متعددی شد. سال ۱۹۸۵، باید با پیگیری بیشتری به مسایل این کشورها برخورد شود. مسئله‌ای که روی آن تاکید داریم، همبستگی با زحمتکشان ایرانی در همین آغاز سال است."

در متن فراخوان "کنفدراسیون عمومی زحمتکشان ایتالیا" درباره اوضاع کنونی ایران چنین آمده است: "در این کشوری که مولناک‌ترین تراژدی‌های دوران معاصر در حال وقوع است؛ هزاران مبارز سیاسی در زندانهای جمهوری اسلامی گرفتارند، بسیاری از آنها شديدا شکنجه شده و عده بیشماری هم اعدام شده‌اند. آزادی فردی در این کشور بنحو خشنی سرکوب شده و جنگ ایران و عراق بدل به یک فاجعه عظیم و دهشتناک شده است."

در ادامه فراخوان، اعتصاب باشکوه کارگران ذوب آهن اصفهان، انعکاس یافته است و کنفدراسیون فوق‌الذکر، از همه نیروهای مترقی درخواست نموده تا با ارسال تلگرام و مراجعت به سفارت جمهوری اسلامی در رم، از مبارزات حق طلبانه زحمتکشان ایران پشتیبانی نموده و خواهان قطع سریع سرکوب و آزادی زندانیان سیاسی شوند.

پاکستان

به تاریخ ۲۰ دسامبر از طرف اتحادیه کارگران و کارمندان پالایشگاه ملی (پاکستان) بیانیه‌ای در حمایت از کارگران ذوب آهن اصفهان و محکوم کردن سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی صادر شد. در قسمتی از این بیانیه آمده است: "کارگران پالایشگاه ملی خشم و انزجار عمیق خود را نسبت به وضعیت کنونی حاکم در ذوب آهن اصفهان ابراز می‌دارند. کارگران ذوب آهن اصفهان برای کسب حق ابتدایی خود، "حق اشتغال"، که از سوی مدیریت ذوب آهن و با پشتیبانی رژیم جمهوری به خطر افتاده است در اعتصاب بسر می‌برند."

در ایران به وقوع می پیوندد و انعکاس و بازتاب جهانی آن، جمهوری اسلامی را به خوف و خشم دچار ساخته است. رژیم که خود را در برابر این همه اعتراضات جهانی، رسوا می بیند و از سوی دیگر توان مانع شدن از انعکاس اخبار را ندارد، به هر وسیله ای تمسک می جوید. اخیراً تراکت های مبتذلی در خارج از کشور علیه فدائیان و توده ای ها و مجاهدین از سوی حکومت منتشر شده است. این تراکت ها آذینه تمام نمای ابتذال اندیشه کسانی است که با تشبیه به این اقدامات صرفاً، خشم خود را به نمایش می گذارند. این گونه اقدامات نشانه و پیامد پیروزمندی تبلیغات افشاگرانه فدائیان خلق و دیگر نیروهای انقلابی و مترقی می باشد.

تظاهرات علیه رژیم ج.ا. در کپنهاگ

در تاریخ ۱۴ ژانویه (۲۴ دی ماه) به دعوت هواداران حزب توده ایران و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در دانمارک، تظاهرات باشکوهی مبنی بر اعتراض نسبت به شرایط ترور و اختناق و باخواست آزادی زندانیان سیاسی در کپنهاگ برگزار شد.

تظاهر کنندگان با حمل پلاکاردهایی از مرکز اصلی شهر به طرف سرکنسولتری جمهوری اسلامی در کپنهاگ حرکت کردند. این تظاهرات مورد استقبال مردم قرار گرفته و با همراهی و پشتیبانی آنان مواجه شد. در طول مسیر، شعارهایی به دو زبان فارسی و دانمارکی مبنی بر خواست آزادی زندانیان سیاسی، فتنه فوری و بهلادرتنگ جنگ ایران و عراق، از سوی تظاهر کنندگان داده شد. رفقای فدایی همچنین اقدام به پخش متن ترجمه شده اعلامیه های کمیته مرکزی سازمان نموده و اعلامیه های توضیحی در مورد اوضاع کنونی ایران و تاریخچه مبارزات حزب توده ایران و سازمان رادرمیان مردم توزیع کردند.



تظاهرات ۱۴ ژانویه در نشریات دانمارکی بازتاب یافت
حزب کمونیست دانمارک، حزب کمونیست ترکیه (دانمارک) و کمیته دفاع از صلح و زندانیان سیاسی ایران - دانمارک، با شرکت فعال خود در این تظاهرات پر شکوه، همبستگی خود را با زندانیان سیاسی ایران و مبارزات مردم ایران علیه ارتجاع کشور، اعلام داشتند. تظاهرات با صدور قطعنامه ای در میان استقبال عموم، با موفقیت تمام خاتمه یافت *

در این پیشگفتار آمده است به آذین نیز چون بسیاری دیگر از نویسندگان، شعرا و مترجمان انقلابی ایران، مانند احسان طبری، ابوتراب باقرزاده و... در سپاه جلال های جمهوری اسلامی تحت شدیدترین شکنجه های قرون وسطایی قرار دارد.

یولین غربی

در شماره چهارم ژانویه ۱۹۸۵ روزنامه "وارهاپت"، ارگان حزب سوسیالیست متحد برلن غربی، زیر عنوان "اعتصاب اصفهان را نتوانستند خفه کنند" آمده است:

"دولت ایران جنگ با عراق را بهانه قرار داده است تا سرکوب، به ویژه در مورد حقوق کارگری را تشدید کند. این امر اخیراً طی دپداری میان دبیرخانه اتحادیه سندیکایی جهانی و کمیته ارتباط زحمتکشان ایران در پراگ مورد اشاره قرار گرفت. این روزنامه سپس به شرح جریان اعتصاب بزرگ کارکنان ذوب آهن اصفهان پرداخته و می نویسد علیرغم اقدامات سرکوبگرانه و تهدید آمیز ارگانهای دولتی جمهوری اسلامی، اعتصاب ادامه یافت و حکومت نتوانست آن را خفه کند.

اتریش

گزارش نمایش عظیم همبستگی و اتحاد با کارگران ذوب آهن بانام "مشعل ذوب آهن اصفهان" در روزنامه "فولکس اشتیمه" ارگان حزب کمونیست اتریش چاپ شده است. این روزنامه به خواستهای کارگران مبنی بر دفاع از موجودیت مجتمع ذوب آهن، تامین امنیت شغلی و... اشاره کرده است.

اسپانیا

در اثر تلاش پرشور و پرثمر رفقای فدایی و توده ای برای بازتاب هر چه وسیع تر خبر اعتصاب کارگران مجتمع صنعتی ذوب آهن اصفهان، در اسپانیا، روزنامه کثیرالانتشار ال پائیز به درج مقاله ای در این خصوص پرداخت. روزنامه فوق الذکر ضمن برشمردن علل، اهداف و نتایج این اعتصاب، در باب حمایتهای پرشور دیگر کارکنان صنایع ایران از این حرکت وسیع کارگری چنین گزارش می دهد: "اعتصاب گسترده کارگران مجتمع صنعتی ذوب آهن، از همان بدو حرکت، بطور فعال از حمایت دیگر کارگران واحدهای تولیدی ایران برخوردار گردید."

مقاله در ادامه خود ضمن اشاره به سیاست های کارگر ستیزانه جمهوری اسلامی و اینکه تشکلهای کارگری در ایران از کمترین آزادی برخوردار نبوده و بسیاری از این تشکلهای غیر قانونی اعلام شده اند، شبه ای از وضعیت زندگی کارگران ایران را ارائه کرد.

جمهوری اسلامی که همواره از درز این گونه اخبار چه در سطح کشور و چه در عرصه بین المللی در هراس و خوف است، توسط سفارت خود در اسپانیا، نسبت به درج این گزارش، اعتراض نموده و هشدار داده است که درج چنین مقالاتی در نشریات اسپانیا به مناسبات طرفین در همه زمینه ها لطمه خواهد زد.

افشاگری وسیع سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران و برگزاری آکسیون های اعتراضی گوناگون نسبت به جنایاتی که

حزب کمونیست کانادا در ادامه خبر می نویسد: "همچنین مقاومت در مقابل ادامه جنگ ۴ ساله ایران و عراق که تاکنون بیش از ۵۰۰ هزار نفر قربانی آن شده اند در حال افزایش است.

اعتصابات، کم کاری ها و مقاومت در مقابل پلیس با آن نیز هر روز افزایش می یابد. حکومت جمهوری اسلامی روز بروز فشار را افزایش داده و زندان ها را بیش از پیش از نیروهای مترقی که با سیاست ادامه جنگ مخالفت می کنند انباشته می سازد."

دانمارک

در تاریخ ۱۴ ژانویه، مصاحبه ای از طرف ارگان حزب کمونیست دانمارک با دو تن از رفقای توده ای و فدایی های کشور صورت گرفت. در این مصاحبه رفقا اوضاع کنونی ایران را تشریح کرده و از جنایاتی که اینک در کشور رخ می دهند سخن گفتند. رفقا ضمن گزارش اعتصاب کارگران مجتمع صنعتی ذوب آهن و دیگر حرکات کارگری کشور، خبر شهادت قهرمانانه سه رفیق توده ای و فدایی، رفقا غلامحسین فغانعی، مرتضی میثمی و منصور پورجم را که تا آخرین لحظات حیات به آرمان های انقلابی خود وفادار مانده بودند، به اطلاع خبرنگار این روزنامه رساندند.

گزارش این مصاحبه افشاگرانه همراه با زندگی نامه و عکس رفقای شهیدمان، در شماره مورخه ۱۷ ژانویه، روزنامه (سرزمین مردم) به نحوی برجسته انعکاس یافت، که مایه خشی از این گزارش را از روزنامه فوق کلیشه می کنیم.



آلمان فدرال

هفته نامه "دویچه فولکس تسایتونگ" - دی تات "که از ادغام نشریه پرسابقه "دویچه فولکس تسایتونگ" و هفته نامه ضد فاشیستی "دی تات" ایجاد شده است، اخیراً داستان کوتاه "علیمراد" نوشته م. ۱۰ به آذین را ترجمه و کوتاه شده ای از آن را در یک صفحه چاپ کرده است. این هفته نامه، همچنین در پیشگفتاری به معزی به آذین به مناسبت چهره برجسته ادبیات مترقی معاصر ایران پرداخته است.

در سالگرد شهادت ارانی، خاطره همه توده‌ایهای شهید ویاد همه رزمندگان دربند را گرامی می‌داریم



بهمن را یکی پس از دیگری از چنگ مردم بدر آوردند، حزب توده را مانع بزرگ خود تشخیص دادند. یورش به حزب با همان اهداف و بهانه‌های "سابق" به وقوع پیوست. حال آنکه علت واقعی یورش، خوف عظیم خائنین جمهوری اسلامی از حزب طبقه کارگر بود. بار دیگر حزب غیرقانونی اعلام شد. در یورش‌های بعدی، از جمله یورش اردیبهشت ماه، بسیاری از رهبران و فعالین حزب، دستگیر شکنجه و روانه فراموشخانه‌ها شدند. طی محاکمات فرمایشی، توده‌ای‌ها را به حبس‌های طولانی محکوم کرده، ده تن از افسران و اعضای حزب به جوخه اعدام سپرده شدند و تعدادی از رفقا را زیر شکنجه‌های وحشیانه، به شهادت رساندند. واقعیتی است که هرچه بیشتر به حزب یورش بیاورند و بتازند، به معنای آن است که بیشتر می‌ترسند و در خوفند. این خوف بدان حد است که آیت الله خینی خطاب به سران جمهوری اسلامی اظهار کرده بود: "این حزب برای یکسال بعد و پنجاه سال بعد نقشه می‌کشد." اسلاف از آرزوی شوم نابودی حزب طرفی نیستند، اخلاف هم نبینند!

مروچ، عالقدرآیین مارکسیستی - لنینیستی و سازمانده خستگی ناپذیر جنبش کمونیستی بدست دژخیمان رضاشاه در بیمارستان زندان مرکزی به شهادت رسید. کینه‌توزی رضاخان نسبت به رفیق ارانی، محصول ۲۷ سال زندگی سرشار از رزم و پیکار این رهرو ثابت قدم طبقه کارگر، علیه استبداد و بخاطر استقلال و آزادی ایران و بهروزی مردم بود. محمدرضاشاه چون پدر و بواسطه مامیت ضد خلقی خود، با فرزندان ارانی که در حزب توده ایران متحد شده بودند به عداوت برخاست. در بهمن ۱۳۲۷، به بهانه سوقصد به شاه، بنا به اراده امپریالیسم و ارتجاع حزب توده ایران غیرقانونی اعلام شد. نشریات حزب را توقیف کردند، رفقای حزبی را مورد تعقیب و پیکرد قرار داده و چندی بعد سرکوب همه جانبه‌ای سازمان داده شد. نگهبانان سرمایه، دگربار ریختند، بستند، گرفتند و به شهادت رساندند. اما حزب نابود نشد. دشمنان حزب مردند و حزب ماند.

در ۱۷ بهمن دو سال پیش، سران خائن جمهوری اسلامی ناجوانمردانه به حزب توده یورش بردند، بسیاری از رهبران و فعالین حزبی را دستگیر و زندانی کردند. در آن زمان، مرتجعین جمهوری اسلامی که بر آن بودند تا در چارچوب خیانت به توده‌ها، در اثر حمایت بی‌کران از بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری بتازند و دستاوردهای انقلاب

مبارزه علیه کمونیستها، این انقلابیون صدیقی که قلیشان تنها برای رهایی و بهروزی مردم می‌تید، فصل مشترک همه نیروهای مرتجع، وابسته و واپسگراست. تاریخ معاصر ایران، مملو از کینه‌توزی‌ها، مملو از خصومت جنون آمیز نیروهای وابسته و حامیان بساط زور و ظلم علیه کمونیستهاست. دشمنان مردم در تب نابودی جنبش کمونیستی، از دیرباز می‌سوزند. در طول تاریخ معاصر، بسیار پیش آمد که ریختند، بستند، گرفتند، منحل اعلام کردند و به شهادت رساندند که نابود کنند، اما خود نابود شدند و جنبش کمونیستی بر جای ماند. رضاشاه هرآنچه ممکن بود، بکار زد. محمدرضاشاه نیز که در تب هیستریک کمونیسم ستیزی می‌سوخت، تمام امکانات و قدرت خود را بکار انداخت، هیچ کدام طرفی نیستند. امروز سران خائن جمهوری اسلامی تلاش دارند آزموده را دگربار بیازمایند. نتیجه از پیش روشن است. جنبش کمونیستی بواسطه پیوندش با حکم تاریخ و منافع توده‌ها، به گونه‌ای است که هر چه بر آن بکوبند و بتازند در پایان محکم‌تر و مقاوم‌تر، متحدتر و استوارتر برمی‌خیزد و این همان چیزی است که مرتجعین از درک آن عاجزند و از اینرو همواره افسانه نابودی حزب توده با آرزوهای تخیلی آنها پیوند می‌خورد.

۴۵ سال پیش در ۱۴ بهمن ۱۳۱۸، دکتر تقی ارانی مبارز خستگی ناپذیر راه رهایی زحمتکشان،

از زندگی و رزم رفیق شهید منصور پورجو

بقیه از صفحه آخر

انقلابی مردم در سال ۵۷ رفیق از زندان آزاد شد. وی بلافاصله به آبادان رفت و با تشکیل محافلی از کارگران پیشرو به فعالیت انقلابی در میان کارگران و شرکت فعال در مبارزه توده‌ای پرداخت، با همه توان خود به نشر و تبلیغ اعلامیه‌ها، مواضع و سیاستهای سازمان اقدام نمود.

بدنبال پیروزی قیام شکوهمند مردم، رفیق منصور در برپایی ستاد آبادان و در فعالیتهای مختلف آن، بویژه کمیته کارگری نقشی بسیار موثر داشت. رفیق شبانه روز در تلاش بود. اینجا و آنجا در میان کارگران و توده مردم، دانش آموزان و دانشجویان، معلمان و دیگر اقشار زحمتکش حاضر بود. او در شکل گیری سندینای کارگران پروژه‌ای آبادان (که با ۱۴ هزار عضو، خواست و نیروی عظیم و شورانگیز کارگران را در برپایی شکل کارگری متجلی ساخت) به گونه‌ای بسیار فعال نقش داشت و در کار جدی تهیه و تنظیم اسانامه این سندیکا کارگران پیشرو را یاری می‌داد. در این فاصله وی همچنان مسئولیت سازماندهی کارگران تعدادی از واحدهای پالایشگاه و هدایت حرکات کارگری در این واحدها را بر عهده داشت.

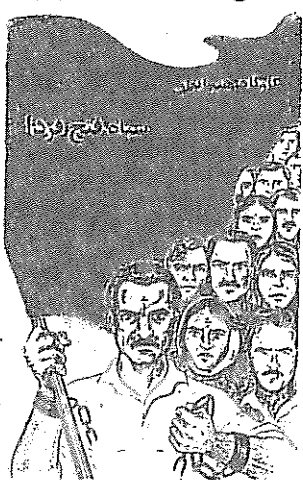
رفیق در جریان توطئه هجوم به ستاد سازمان در آبادان دستگیر شد و پس از مدت کوتاهی بازداشت، در حالیکه بخشی از وثایف خویش را در آبادان کماکان دنبال می‌کرد، با مسئولیت جدید سازمانی

فعالیت خود را در امواز آغاز نمود. در اینجا نیز منصور با عشق و شوری تحصین انگیز فعالیت در واحدهای صنعتی و کار در میان توده‌ها را به پیش می‌برد. رفیق را بخاطر شخصیت، اخلاق انقلابی و فروتنی همیشگی اش همه دوست داشتند. او با شایستگی بسیار در سال ۵۹ به عضویت کمیته ایالتی خوزستان درآمد. با انتقال به تهران در سال ۶۰ رفیق منصور در کمیته ایالتی تهران جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) مسئولیت یافت و تجارب غنی خویش را در کار توده‌ای و کار میان توده جوانان با موفقیت بکار گرفت. دژخیمان جمهوری اسلامی یک سال پیش در اتوبان کرج رفیق را شناخته و دستگیر می‌کنند. او بلافاصله به زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها می‌کشند. اما دژخیمان با همه سفاکی نتوانستند منصور را به زانو در آورند. آنان سرانجام ددمشانه و در زیر شکنجه‌های وحشیانه رفیق منصور را به شهادت رساندند و بدین ترتیب عمال جنایتکار ارتجاع و سرمایه‌داری یکی دیگر از فرزندان ایثارگر خلق را از میان ما ربوده و ددمشانه به خاک و خون کشیدند. اما ایمان شورانگیز رفیق منصور به حقیقت و پیروزمندی آرمانهای الوای کمونیستی، سخت‌کوشی، فداکاری و شکیبایی وی در مبارزه انقلابی و شهادت قهرمانانه اش در یاد همه همزمانش جاودان مانده و همواره سرمشق خواهد بود.

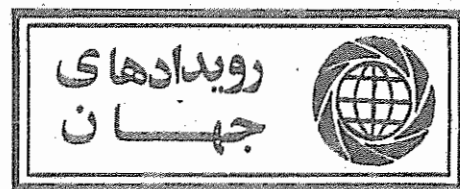
پیرره‌رو راه او جاودان یاد او

(به نقل از "کار" شماره ۱۲)

سپاه فتح فردا انوار جدید کارگاه هنر



سپاه فتح فردا • ایران من • بر فراز قله‌ها
سپید، بالان، گلی در خون • خورشید راه • یادبود



مذاکرات خلع سلاح ۱۲ مارس آغاز خواهد شد

اتحاد شوروی و آمریکا توافق کردند که در دوازدهم مارس، در ژنو مذاکرات مربوط به تسلیحات هسته ای و کیهانی را آغاز کنند. خبر این توافق بطور همزمان در مسکو و واشنگتن اعلام شد. ریاست هیات نمایندگی شوروی بر عهده سفیر ویکتور کارپف، و ریاست هیات نمایندگی آمریکا بر عهده ماکس کمپلمان است.

ولادیمیر لومینکو سخنگوی وزارت امور خارجه شوروی، در یک کنفرانس مطبوعاتی کوتاه مدت در مسکو که برای روزنامه نگاران شوروی و خارجی ترتیب داده شده بود اظهار داشت، هیات نمایندگی شوروی، توافقی درباره موضوع هدفهای مذاکرات را که در دیدار اخیر آندره گرومیکو و جرج شولتز وزیران امور خارجه اتحاد شوروی و آمریکا حاصل شده بود، ملاحظه عمل قرار خواهد داد. لازم به یادآوری است، توافقی مذکور پیش بینی می کند که بررسی و حل مجموعه مسائل مربوط به تسلیحات کیهانی هسته ای در ارتباط باهم انجام شود. لومینکو گفت اتحاد شوروی خواهان آن است که مذاکرات، جدی و سازنده، و برخورد به آنها، مسئولانه باشد، تا کسی تلاش نکند با نقض اصول برابری و امنیت یکسان طرفین، به برتری دست یابد.

سخنگوی وزارت امور خارجه شوروی، ضمن پاسخ به پرسشهای خبرنگاران، سخنان آندره گرومیکو را یادآوری کرد که چندی پیش گفته بود ادامه استقرار موشکهای هسته ای میان برد آمریکا در اروپا، اساس مذاکرات ژنو را به زیر علامت سوال خواهد برد. لومینکو خاطر نشان کرد که هدف ادعاهای آمریکا مبنی بر "دفاعی" بودن سلاحهای کیهانی، همراه کردن اذهان عمومی جهان است. وی افزود این اسلحه، تهاجمی است و کل این نقشه، تجاوزگری آشکار است.

همچنین وادیم زاکلادین رئیس دایره بین المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی طی یک برنامه تلویزیونی در مسکو اظهار داشت سلاحهای فضایی دارای خصیلت تهاجمی است. وی گفت چنین سیستمی از سلاحهای کیهانی، باهدف امکان پذیر ساختن ضربه اول علیه اتحاد شوروی، تولید و استقرار می یابد. زاکلادین افزود آمریکا، دست به ساختن سلاحهای فضایی زده است تا بتواند برای فرصتی مناسب، امکان ضربه متقابل اتحاد شوروی را از بین ببرد.

پادداشت اعتراض افغانستان به چین

افغانستان در رابطه با اقدامات خصمانه و مداخله در امور داخلی این کشور، به چین اعتراض کرد. در پادداشت وزارت امور خارجه افغانستان

آمده است: "طی ماههای اخیر، ضمن سرکوبی باندهای ضد انقلابیون، مقادیر زیادی اسلحه ساخت چین، منجمد موشکهای زمین به هوا و گلوله های راکتیو به غنیمت گرفته شد. این اسلحه، بر علیه مردم غیر نظامی، از جمله اهالی کابل به کار برده می شود. مستشاران نظامی چین، در خاک جمهوری خلق چین، لمرز به کار بردن اسلحه و شیوه های انجام عملیات تروریستی را به اشار افغانی تعلیم می دهند." در این پادداشت، همچنین گفته شد که مراتب مزبور، نشانگر شرکت فعالانه چین در جنگ اعلان نشده علیه افغانستان است.

انتشار رسند حزب دمکراتیک خلق افغانستان درباره پیوسته ترین سالگرد حزب

در کابل، "سند کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان درباره بیستمین سالگرد ج. د. خ. ا." انتشار یافت. این سند مهم به نگاهی مختصر به تاریخ سراسر مبارزه پشاهانک طبقه کارگر و زحمتکشان افغانستان، مرحله کلونی نبرد و وظائف فعلی اعضای حزب اختصاص دارد.

پس از شرح مختصری از رویداد تاریخی برگزاری کنگره موسس حزب دمکراتیک خلق افغانستان و مبارزات حزب تا هنگام پیروزی انقلاب ثور، زیر عنوان "انقلاب ثور چرخش بنیادی در تاریخ افغانستان است"، آمده است: "توفان انقلاب ما، فلودالان، سرداران آل بیچی، سودخواران و قشر فئودالی بوروکراتیک و خود فروخته و مرتجعین و مستبدین محلی را که طی قرون متمادی بر مردم ماستم روا داشته و به قیمت خون و عرق جبین آنها حیات بسر می بردند، سرنگون ساخته و از میان برداشت. زمین و آب به طور پیوسته و انحراف ناپذیر در اختیار دهقانان گذاشته می شود. قوانین جدید انقلابی در ج. د. خ. ا. (جمهوری دمکراتیک افغانستان) حقوق دمکراتیک اتباع را تضمین و بیانگر منافع بنیادی زحمتکشان اند. حزب و حکومت ج. د. خ. ا. با تشویق و حمایت از رشد اتحادیه های صنفی، کوپراتیف ها و سایر سازمانهای وسیع اجتماعی برای نخستین بار در تاریخ کشور، امکانات عملی شرکت زحمتکشان را در اداره دولت و امور اجتماعی مساعد می سازد. همه تدابیر و اقدامات ممکن در جهت افزایش معاشات و بهبود تأمینات، در گام نخست برای ابقای بی بضاعت روی دست گرفته شده..." در ادامه سند، ضمن اشاره به ناموزونی های رشد انقلاب ثور و توطئه های ارتجاع و امپریالیسم علیه آن، تأکید گردیده است: "مردم باید بدانند که: اگر امروز با مشکلات و محرومیت ها مواجه اند، مقصر تنها خود انقلاب داخلی و خارجی است: مبارزه قاطعانه علیه ضد انقلاب و دستگیری به طرد ربرابر آن، شرط حتمی پیروزی اهداف و آرمانهای نهجیانه انقلاب ثور و وتلیفه مقدس هر وطن پرست واقعی کشور می باشد."

بخش بعدی سند، به "تحکیم و گسترش پایه های اجتماعی انقلاب، پیوند ارگانیک حزب با مردم" به مثابه "تلیفه مبرم و وعده" حزب اختصاص یافته است. در این بخش، دستاوردهای انقلاب ثور در زمینه شرکت دادن مردم در اداره امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، خطاب به اعضای اصلی و

آزمایشی ج. د. خ. ا. آمده است: "به مردم نزدیک باشید، در اعماق توده ها باشید، حقیقت درباره اهداف و سیاست حزب ما را به آنها توضیح نمایید، سعی ورزید تا زحمتکشان همه وطن پرستان وطن ضرورت کمک به حزب و دولت را در امر اشاء و محدود شمنان انقلاب درک نمایند..."

معدنچیان بریتانیا قصد عقب نشینی ندارند

به علت موضع کارشکنانه اداره ملی صنایع زغال سنگ بریتانیا، تلاش برای حل حادترین درگیری کارگران و سرمایه داران در ظرف ده سال اخیر، باردیگر عظیم مانده. در حالیکه سندیکی معدنچیان برای انجام مذاکرات بدون شرط قبلی اعلام آمادگی کرد، اداره زغال سنگ حاضر نشد از موضع خود مبنی بر تعطیل معادن به اصطلاح بدون صرفه، دست بکشد. بنابر این نخستین دور مذاکرات طرفین که پس از قطع آن، در ماه اکتبر سال گذشته، هفته پیش از سر گرفته شد، تحت شرایط پیچیده ای آغاز گردید. اعتصابیون و خانواده های آنان تحت فشار شدیدی قرار دارند. دولت محافظه کار ناچار میزان کمک اجتماعی را به حدی پایین آورده است که از سطح حداقل زندگی نازل تر است. کارگران اعتصابی، همه پس انداز خود را خرج کرده اند و بدی های ایشان دائماً به افزایش است.

اما علیرغم چنین مشکلاتی، شمار اعتصاب شکنان اندک است. هنوز ۱۴۰ هزار معدنچی، یعنی اکثریت قاطع آنها، در اعتصاب به سر می برند. سندیکی معدنچیان از اعضای خود خواسته است وحدت صفوف خود را حفظ کنند تا موضع سندیکار مذاکرات تضعیف نشود. معدنچیان به این فراخوان پاسخ مثبت داده اند. آنها قصد ندارند از مواضع خود در دفاع از حق کار، عقب نشینی نمایند.



معدنچیان پیایی مورد حمله پلیس فرامی نیرند

اجلاس کمیته ویژه اقیانوس هند سازمان ملل متحد

در نیویورک، اجلاس کمیته ویژه سازمان ملل متحد درباره مسائل اقیانوس هند آغاز شد. هدف این کمیته، تهیه مقدمات تشکیل کنفرانسی است که باید موافقتنامه بین المللی درباره صلح و امنیت منطقه اقیانوس هند را تنظیم و تصویب کند. بر اثر سیاست کارشکنانه ایالات متحده آمریکا، گشایش این کنفرانس چند بار به تعویق افتاده است. واشنگتن تشکیل چنین کنفرانسی را مانعی در راه سیاست خود مبنی بر نظامی کردن اقیانوس هند می شمارد.

پیام کمیته ایالتی تهران به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

رفقای ارجمند!

شادباش‌های صمیمانه ما را به مناسبت برگزاری موفقیت آمیز پلنوم همراه به‌دیرید. تشکیل این پلنوم، به ویژه در شرایط دشوار کنونی، تجلی پرفروغی است از کوشش‌های همه جانبه رهبری سازمان، در تحکیم هر چه بیشتر وحدت و انسجام همه جانبه صفوف سازمان و ارتقاء بیش از پیش توانمندی آن در این شرایط حساس تاریخ میهنمان. این امر موجی از شادی و مسرت در میان ما آفرید.

رفقای عزیز!

گزارش هیات سیاسی به پلنوم، تصویر روشنی از اوضاع بغرنج میهن، بلاکشیده ما ارائه کرد. همانگونه که به درستی در گزارش آمده است ارتجاع حاکم مانع عمده بر سر راه تکامل و ترقی جامعه ما می‌باشد. سرمداران خیانت پیشه جمهوری اسلامی، با پشت پا زدن به تمام وعده‌هایی که به مردم داده بودند، راه حمایت از منافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و راه نزدیکی با دول امپریالیستی را برگزیده‌اند و زندگی کارگران و زحمتکشان را دشوار و دشوارتر می‌سازند.

قطعنامه‌های مصوبه پلنوم، ست درست حرکت نیروهای انقلابی در جهت حذف این مانع عمده و برقراری یک دولت انقلابی ملی-دمکراتیک و گشودن راه برای انجام کامل اهداف انقلاب را

تعیین کرده و با تاکید بر ضرورت تشکیل جبهه متحد خلق از تمامی نیروهای مترقی و ضد امپریالیست، وسیله دستیابی به آماجهای ذکر شده را نیز روشن ساخته است. این رهنمود ارزنده ای برای همه فدائیان خلق در سراسر کشور می‌باشد.

رفقا!

پیام پلنوم به حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران بدستی و وظائف خطیری را که مادر راه وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران و حفظ و گسترش وحدت صفوف گردانهای پیشاهنگ آن برعهده داریم خاطر نشان کرده است.

تصمیمات و مصوبات پلنوم، نشانگر آگاهی و مسئولیت کمیته مرکزی سازمان در قبال تمامی مسائل حاد سیاسی است که جامعه امروز ما را در بر گرفته است.

رفقای گرامی!

از سوی تک تک اعضای سازمان تهران اطمینان می‌دهیم با تمام نیرو و در راه تحقق اهداف تابناک جنبش کمونیستی میهن بکوشیم و این را با کاربست دقیق و خلاقانه تک تک مصوبات و قطعنامه‌های راهتشی پلنوم همراه کمیته مرکزی سازمان بر افتخارمان به انجام خواهیم رساند.

با گرمترین درودهای رفیقانه و با اطمینان به تحقق آرمان‌ها و ایمان به پیروزی راهبان کمیته ایالتی تهران

از زندگی و رزم رفیق شهید منصور پورجم

شهادت رفیق منصور پورجم کادر برجسته و عضو کمیته ایالتی سازمان در خوزستان، جنایت دیگری است که سران خائن به انقلاب حکومت جمهوری اسلامی برای سرکوب جنبش انقلابی مردم ایران به آن مرتکب شدند.

همانطور که در اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان اعلام شده است، دژخیمان اوین که پس از دستگیری رفیق با اعمال شکنجه‌های وحشیانه جسمی و روانی نتوانستند اراده و عزم خلل ناپذیری را در هم شکنند و رفیق را در برابر مقاصد شوم خود به تسلیم بکشاند، با انتقامجویی جنایت بار و ددمنشانه، زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها او را به شهادت رساندند. رفیق منصور با ایمان انقلابی‌اش به آرمان سترگ خلقمان و راه پر افتخار و پیروزمند سازمان، قهرمانانه در برابر دژخیمان جمهوری اسلامی پایداری کرد و چون دیگر یاران حماسه آفرین خود تا آخرین قطره خون وفاداری شور انگیزش را به خلقمان نشان داد.

رفیق شهید منصور پورجم در سال ۱۳۳۵ بدنیا آمد. پدرش کارگر پالایشگاه آبادان بود. او اولین درسهای زندگی و مبارزه را در خانه و در مسکنهای کارگری آبادان با مشاهده و لمس زندگی و کدرا

شرکت هیات نمایندگی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

در مراسم گرامیداشت بیستمین سالگرد

تأسیس حزب دمکراتیک خلق افغانستان

به مناسبت بیستمین سالگرد بنیانگذاری حزب دمکراتیک خلق افغانستان، جشن پرشکوه و عظیمی در روزهای ۲۰ الی ۲۲ دی ماه در کابل برگزار گردید. در این جشن هیئت‌هایی به نمایندگی از سوی احزاب کمونیست و کارگری و نمایندگان سازمانهای ملی و مترقی شرکت داشتند. شرکت کنندگان در این مراسم پیام‌آوران همبستگی جهانی با مردم افغانستان انقلابی در نبرد علیه مداخله‌گران امپریالیستی و اشراضد انقلابی بودند. پیامهایی که از سوی احزاب کمونیستی و کارگری به این مناسبت ارسال شد، جلوه‌ای از شکوه انترناسیونالیسم پرولتری را به نمایش گذاشت.

از جانب سازمان ما، هیاتی به سرپرستی رفیق فرخ نکهدار دبیر اول کمیته مرکزی در این جشن شرکت کردند. هیات نمایندگی حزب توده ایران نیز از جمله شرکت کنندگان در این مراسم بود.

هیات نمایندگی سازمان ما، در پایان مراسم با رفیق ببرک کارمل دیدار به عمل آورد. در این دیدار بر همبستگی و مناسبات برادرانه میان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب دمکراتیک خلق افغانستان تاکید گردید. ملاقات رفیق ببرک کارمل و رفیق فرخ نکهدار در رسانه‌های همگانی افغانستان بازتاب یافت.

از جانب کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) پیامی به مناسبت بیستمین سالگرد ح.د.خ. ا. فرستاده شد. در این پیام آمده است که "وظیفه انقلابی، میهنی و انترناسیونالیستی خودمی‌دانیم که با تمام نیرو از انقلاب ظفرنمون مردم افغانستان و دستاوردهای درخشان آن که مویده راه لنینی راهی ملی و اجتماعی خلقهای خاورزمین است، پشتیبانی کنیم"

در جریان این جشن، هیات نمایندگی سازمان ما ملاقاتهای متعددی با دیگر هیات‌های شرکت کننده انجام دادند و طی آن وضعیت کنونی کشورمان تشریح گردید و از همبستگی احزاب کمونیست و کارگری و نیروهای مترقی جهان با مردم ایران در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع حاکم قدر دانی به عمل آمد.

AKSARIYAT
NO. 43
MONDAY FEB 4, 85
Address: آدرس:
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را

رفقای فدایی درد انمارک

تأمین کردند

کمک‌های مالی رسیده

رفیق سولاز (فرانسه) مدیه به کار ۳۰۰ فرانک
از بیلفلد و مونستر (آلمان فدرال) ۴۶/۵ مارک

علیه امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران و جهان، متحد شویم!